۳۲

پیامبر و جوان امروز

محمد باقر پورامینی



بسم الله الرحمن الرحیم

پیامبر و جوان امروز

نویسنده:

محمد باقر پورامینی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پیامبر و جوان امروز

مشخصات کتاب

پور امینی، محمدباقر، ــ

پیامبر و جوان امروز/ محمدباقر پورامینی؛ تهیه شده در مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما. ــ قم: کتاب طه، ۱۳۸۸.

۱۱۱ص .

ISBN:۹۷۸-۶۰۰-۵۳۳۴-۰۶-۷۰۰۰/۱۵ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا

کتابنامه: ص ۱۱۱ ــ ۱۰۷؛ همچنین به صورت زیرنویس

۱. محمد(ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت ــ ۱۱ ق. ــ احادیث ۲. جوانان و اسلام ــ احادیث ۳. جوانان ــ راه و رسم زندگی ــ احادیث. ۴. جوانان ــ اخلاق. ۵. احادیث اخلاقی ــ قرن ۱۴. الف. صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی. ب. عنوان.

۹پ۹پ/۲۱۸/۲۹۷ BP۵/۱۴۲

ص:۱

اشاره

پیامبر و جوان امروز

کد: با پیامبر (۳۴)

نویسنده: محمدباقر پورامینی

نام ویراستار: مرضیه علاقه بند

تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ناشر: کتاب طه

چاپ: شریعت

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۸

شمارگان: ۳۰۰۰

بها: ۱۵۰۰۰ ریال

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email: IRC@IRIB.ir

تلفن: ۲۹۱۹۶۷۰-۰۲۵۱ دورنگار: ۲۹۱۵۵۱۰

شابک: ۷-۰۶-۵۳۳۴-۶-۸-۹۶۸۷۳-۹۶۴ :ISBN ۶۰۰ -

سخن ناشر

سخن ناشر

پیام آور بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله که سرآمد آفرینش خداوندی است، الگوی کامل انسان در زندگی فردی و اجتماعی و درس آموز همه فرزندان آدم است. وی چراغ هدایت است که بر همه تاریخ بشر روشنایی بخشیده و با گفتار و کردار بی مثالش و نیز با سنت هایی که پایه گذارد، برنامه جامعه سیر از خاک تا افلاک و از دنیا تا آخرت را ارائه داشت. از این رو جا دارد، همواره به سیره و سخن آن بزرگوار توجهی ویژه شده و روایت هایی نو از آن عرضه گردد.

همکاری مؤسسات مختلف در این عرصه می تواند خود مصداقی از آن چیزی باشد که در سیره پیامبر بزرگ اسلام بر آن تأکید شده و آن همدلی و همراهی و همکاری مؤمنان با یکدیگر است. از این رو، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما و مؤسسه فرهنگی طه، انتشار سلسله کتاب های با پیامبر را در دستور کار خود قرار دادند.

پیش گفتار

پیش گفتار

دوران جوانی، زیباترین و بانشاط ترین فصل زندگی هر انسانی است؛ با گنجینه ای از خوبی ها و استعدادهای پیدا و پنهان. شادابی، کوشش، هیجان، نقدگرایی، زیبادوستی، پویایی، نوجویی و نوآوری، همزاد جوانی اند.

آیا اهمیت این فصل از زندگی را باور دارید؟

آیا می دانید این دوران را چگونه باید بگذرانید؟

زندگی برای برخی فقط لذت بردن است. آنان زندگی می کنند تا خوش باشند، ولی از این تنوع طلبی های تکراری، همواره خسته اند. البته برخی جوانان هم در پی یک زندگی «خوب» و جویای نیکی ها و زیبایی های زندگی اند؛ زیبایی در عمل، عهد، وفا، صبر و تلاش. آنها خود را شناخته اند و خدا را باور دارند. هدف و مقصد برایشان روشن است و مسیر را با راهنما می پیمایند و حاضرند برای رسیدن به خوبی ها، از خوشی ها نیز بگذرند.

با دقت در این سخن پیامبر، می توان به ارزش دوران جوانی پی برد و برای خوب زندگی کردن تلاش کرد. حضرت می فرمود:

خدا فرشته ای را خلق کرده است و او هر شب این گونه بانگ می زند:

«یا اَبْناءَ الْعِشْرَیْنَ جِدُّوا وَ اجْتَهِدُوا؛ ای بیست ساله ها! جدی باشید و بکوشید».(۱)

پیامبر با جوانان دوست بود، به آنان اهمیت می داد و به تربیت همه جانبه آنان توجه داشت؛ آنانی که سیمایشان را در آیینه جوانان امروز می توان دید و مخاطبان این سخن

۱- دیلمی، ارشادالقلوب، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ ه_ . ق، ج ۱، ص ۳۲.

پیامبرند که:

بسیار دوست داشتم برادران خود را دیدار می کردم... آنان کسانی اند که به من ایمان می آورند، دوستم دارند و یاری ام می کنند، در حالی که مرا ندیده اند.(۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره رفتار با جوانان، همواره به امت خود می فرمود: «أُوْصِیکُمْ بِالشُّبانِ خَیْرا، فَإِنَّهُمْ اَرَقُّ أَفْئِدهً؛ شما را سفارش می کنم که با جوانان به خوبی و نیکی رفتار کنید؛ زیرا آنان دل نازک ترند».(۲)

پاسداری از کیمیای گران سنگ روزگار جوانی و بهره گیری از این فرصت ناپایدار، بایستگی هایی دارد که تأمل در آن چاره ساز است.

تا جوانی و تن درستی هست

آید اسباب هر مراد به دست

تو که سرسبزی جهان داری

ره کنون رو که پای آن داری

نظامی گنجوی

اکنون این دفتر را با الهام از پیامبر می گشاییم:

صمیمانه و به دور از تکلف،

با بهترین مخاطبان پیامبر،

جوان امروز این مرز و بوم.

زآنکه محتاجند این خلقان همه

۱- محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه_ . ق، ج۵۲، ص ۱۲۳.

۲- عباس قمی، سفینه البحار، تهران، انتشارات کتاب خانه سنایی، ج۲، ص۱۷۶.

از گدایی گیر تا سلطان، همه

با حضور آفتاب با کمال

رهنمایی جستن از شمع و ذبال

با حضور آفتاب خوش مساغ

روشنایی جستن از شمع و چراغ

بی گمان ترک ادب باشد ز ما

کفر نعمت باشد و فعل هوا(۱)

پیامبر و جوان، مجموعه ای از «روشنا»ها و پرتوهایی از آفتاب عالم تاب رسول رحمت، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله، است که در سودهی فکری، اعتقادی، رفتاری و مهارتی نسل نو و هندسه زندگی او مفید و مؤثر خواهد بود.

آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

محمد باقر پورامینی

اسفند ۱۳۸۵

۱- جلال الدین رومی، مثنوی معنوی، به تصحیح: رینولد. ا . نیکلسون، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳، دفتر ۶، بیت ۳۳۸۷.

۸ روشنا _ آسمانه

اشاره

۸ روشنا _ آسمانه

زیر فصل ها

۱. خدای را بزرگ دارید

۲. به او تکیه کنید

۳. خود را مخاطب کلامش قرار دهید

۴. فرصتی را برای خلوت با او اختصاص دهید

۵. دشمن خود را بشناسید

۶. مراقب آسیب ها و کمین های انحراف باشید

۷. آگاهی دینی خود را تعالی بخشید

۸. باورهای خود را بسنجید

۱. خدای را بزرگ دارید

۱. خدای را بزرگ دارید

با یاد خدا، جان خویش را حیات و سینه خود را جلا بخشید و رواق دل را برای آن زیبای بی همتا بیاراایید؛ که هر دلی به یاد خدا باشد، حرم الهی است.(۱) ارزش هر انسان به میزان یاد کردن او از خداست و «او» نیز خود را هم نشین یادکنندگانش می داند،(۲) چنان که می فرماید:

مرا یاد کنید تا با نعمت هایم یادتان کنم و مرا به اطاعت و بندگی یاد کنید تا با احسان و رحمت و رضوان یادتان کنم.(۳)

در نگاه پیامبر، مهم ترین ویژگی جوان در هر زمانه ای، بندگی خداست. آن حضرت می فرماید: «خداوند، جوانی که جوانی اش را در راه اطاعت و بندگی او صرف کند، دوست دارد».(۴)

در فرمایش دیگری، از پاداش جوان دل بسته عبادت چنین یاد می کند:

ما مِنْ شابٍّ یَدَعُ لِلّهِ الدُّنْیا وَ لَهْوهَا وَاَهْرَمَ شَبابَهُ فِی طاعَهِ اللّه ِالاّ اَعْطاهُ اللّه ُاَجْرَ اِثْنَیْنِ وَ سَبْعینَ صِدِّیقًا.(۵)

جوانی که برای خدا از دنیا و سرگرمی های آن رو بگرداند و جوانی اش را در طاعت

۱- بحارالانوار، ج۶۷، ص ۲۵.

۲- حدیث قدسی: «اَنَا جَلیسُ مَنَ ذَکَرَنی». بحارالانوار، ج۳، ص۳۲۹.

۳- خرمشاهی و انصاری، پیام پیامبر، تهران، نشر جامی، ۱۳۷۶، ص۲۷۲.

۴- متقی هندی، کنزالعمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ه_ . ق، ح ۴۳۰۶۰.

۵- بحارالانوار، ج۷۴، ص۸۴ .

پروردگار به پیری رساند، خداوند پاداش هفتاد و دو صدیق را به او می بخشد.

اصول بندگی خدا را در رهنمودهای پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می توان یافت:

گام اول

شناخت خدا، نخستین شرط بندگی و طاعت است. به این سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دقت کنید:

خداوند را چنان عبادت کن که گویی او را می بینی. اگر نمی توانی چنین تصور کنی، به گونه ای عبادت کن که [یقین داری] او تو را می بیند. بدان نخستین عبادت خداوند، شناخت اوست. خداوند، «اول» است، پیش از همه چیز و هیچ چیز پیش از او نیست. یگانه ای است که دومی ندارد. پایدار و بی نهایت است. آسمان ها و زمین و آنچه را در آن است، او آفریده و او همان خداوند لطیف و خبیر است که بر همه چیز تواناست.(۱)

شناخت، پیوند جوان را با پروردگارش ناگسستنی می سازد و پیوسته او را به درگاه الهی می کشاند.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله در سفارشی به یکی از جوانان عصر خویش می فرماید:

ای جوان! کلماتی به تو می آموزم؛ حق خداوند متعال را رعایت کن تا خداوند نیز تو را حفظ کند. حق پروردگارت را به جا آور که آن را فراروی خویش می یابی. هرچه می خواهی، از خداوند بخواه و هرگاه یاری جستی، از خداوند یاری جوی. بدان اگر همه مردمان گرد آیند تا بهره ای به تو رسانند، نخواهند توانست، مگر آنچه خداوند متعال برایت مقرر فرموده است و اگر گرد آیند تا زیانی به تو رسانند، نخواهند توانست، مگر آنچه خداوند برای تو مقرر فرموده باشد.(۲)

گفت پیغمبر که حق فرموده است

۱- طبرسی، مکارم الاخلاق، قم، منشورات جماعه المدرسین، ۱۴۱۶ ه_ . ق، ج۲، ص۳۶۳.

۲- محمدبن عیسی، سنن ترمذی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا، ج۴، ص۶۶۷ .

قصد من از خلق، احسان بوده است

آفریدم تا ز من سودی کنند

تا ز شهدم، دست آلودی کنند

نی برای آنکه من سودی کنم

وز برهنه من قبایی بر کَنَم(۱)

گام دوم

جوانی با دوستی آمیخته و هر کس در زندگی خود، بارها طعم دوستی های پایدار و ناپایدار را چشیده است. دوستی و محبت خداوند، از دوستی های روح بخشی است که بندگان خوب خدا آرزوی آن را دارند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ثمره چنین دوستی هایی را به خواست خدا، این گونه مژده داده است:

چون بنده ای دیدار مرا دوست بدارد، من نیز دیدارش را دوست می دارم. اگر در خلوت یادم کند، در خلوت یادش می کنم و چون میان گروهی یادم کند، میان گروهی بهتر یادش می کنم. چون یک وجب نزدیک تر شود، یک ذراع به او نزدیک می شوم و چون یک ذراع به من نزدیک شود، یک باع (به اندازه دو بازوی انسان) به او نزدیک می شوم.(۲)

ممکن است بسیاری گمان برند که خدا را دوست دارند، ولی مهم آن است که خدا نیز آنان را دوست بدارد. شرط علاقه مندی خداوند، در این پیام او به رسول گرامی اش هویداست: «بگو: اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد».(۳)

تا مَعِیّت راست آید زان که مرد

۱- مثنوی معنوی، دفتر ۲، بیت ۲۶۳۵.

۲- پیام پیامبر، ص۲۶۳.

۳- نک: آل عمران: ۳۱.

با کسی جُفت است کو را دوست کرد

این جهان و آن جهان با او بُوَد

وین حدیثِ احمدِ خوشْ خو بُوَد

گفت اَلْمَرْءُ مَعَ مَحْبُوبِهِ

لایُفَکُّ القَلْبُ مِنْ مَطْلُوبِهِ(۱)

این دوستی می تواند شاخص و مبنای دوستی های دیگر نیز قرار گیرد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در جمع اصحاب خود این پرسش را بیان کرد که از میان دستگیره های ایمان، کدام یک از همه محکم تر است؟ یکی از اصحاب عرض کرد: نماز. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «خیر.» دیگری گفت: زکات. پیامبراکرم پاسخ منفی داد. سومی از روزه نام برد. پیامبر خدا آن را نیز رد کرد. دو تن از اصحاب نیز به حج و عمره و جهاد اشاره کردند که باز آن حضرت تأیید نکرد. سرانجام، وقتی هیچ کس نتوانست پاسخ رسول خدا صلی الله علیه و آله را بدهد، خود حضرت فرمود: «تمام اینها که نام بردید، کارهای بزرگ و بافضیلتی است، ولی هیچ کدام پاسخ پرسش من نبود. محکم ترین دستگیره های ایمان، دوست داشتن به خاطر خدا و دشمن داشتن به خاطر خداست».(۲)

۲. به او تکیه کنید

۲. به او تکیه کنید

در زندگی، یک نقطه اتکای مطمئن برای خود انتخاب کنید و از او مدد بجویید. برای این مهم، تنها خدا را برگزینید و تنها به او توکل کنید. پیامبر به ابوذر فرمود: «اگر دوست داری نیرومندترین مردم باشی، به خدا توکل کن».(۳) حضرت می فرمود: «هر کس به

۱- مثنوی معنوی، دفتر ۵، بیت ۷۴۵.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ج۲، ص ۲۵.

۳- ورّام بن ابی فراس، مجموعه ورّام، تهران، چاپ خانه حیدری، بی تا، ج۲، ص ۶۳.

خدا توکل کند، خدا او را کفایت می کند».(۱)

پیامبر که خود، اسوه توکل بود، معنای توکل را از جبرئیل پرسید و چنین پاسخ شنید:

معنای توکل این است که انسان یقین کند سود و زیان و بخشش و حرمانش به دست مردم نیست و باید از آنها ناامید باشد. اگر بنده ای به این مرتبه از معرفت برسد که جز برای خدا کاری انجام ندهد و جز او به کسی امیدوار نباشد، نه از غیر او بهراسد و نه به کسی جز او چشم طمع داشته باشد، این همان توکل بر خداست.(۲)

گفت موسی را به وحیِ دل، خدا

کای گزیده! دوست می دارم تو را

گفت چه خصلت بود ای ذوالکرم

موجب آن، تا من آن افزون کنم

گفت چون طفلی به پیش والده

وقت قهرش دست هم در وی زده

خود نداند که جز او دیّار هست

هم ازو مخمور هم از اوست مست

مادرش گر سیلی ای بر وی زند

هم به مادر آید و بر وی تَنَد

از کسی یاری نخواهد غیر او

اوست جمله شرّ او و خیر او

خاطر تو هم ز ما در خیر و شر

۱- میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸ه_ . ق، ج۱۱، ص ۲۱۸.

۲- بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۳۸.

التفاتش نیست جاهای دگر

غیر من پیشت چو سنگ است و کلوخ

گر صبیّ و گر جوان و گر شیوخ(۱)

بهره مند شدن از حمایت الهی، حاصل کوشش، اخلاص و انتخاب راه درست است. باید حضور خدا را باور داشت و با تلاش و پشتکار، به پروردگار کارگشا توکل کرد که ره آورد این اعتماد، بهره مند شدن از قدرت تصمیم گیری، شجاعت و در نهایت، رسیدن به سربلندی و کام یابی در همه عرصه ها خواهد بود.

۳. خود را مخاطب کلامش قرار دهید

۳. خود را مخاطب کلامش قرار دهید

قرآن، کتاب پربرکتی است(۲) که وجود تو را با نور خود روشنایی می بخشد و «هر جوان مؤمن که قرآن بخواند، قرآن با گوشت و خونش آمیخته می شود».(۳)

قرآن، کلام پروردگار است، برای همگان و برای هر روحیه ای پیامی دارد. باید مخاطب آن قرار گرفت تا از نسیم حیات بخش آن سود جست. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می فرماید:

بر شما باد [تلاوت] قرآن؛ چون قرآن، شفای سودمند و داروی پربرکت و نگهبان کسی است که به آن چنگ زند و نجات بخش کسی است که از آن پیروی کند.(۴)

۱- مثنوی معنوی، دفتر ۴، بیت ۲۹۲۲.

۲- «هذا کِتابٌ أَنْزَلْناهُ مُبارَکٌ». انعام: ۹۲.

۳- بحارالانوار، ج۷، ص۳۰۵.

۴- محمدبن محمد سبزواری، جامع الاخبار، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۴ ه_ . ق، ج۱، ص ۴۳۲.

سیل چون آمد به دریا، بحر گشت

دانه چون آمد به مزرع، گشت کشت

ای خُنُک آن مرد کز خود رسته شد

در وجود زنده پیوسته شد

وایِ آن زنده که با مرده نشست

مرده گشت و زندگی از وی بجست

چون که در قرآنِ حق بگریختی

با روان انبیا آمیختی

هست قرآن حال های انبیا

ماهیان بحر پاک کبریا(۱)

پیامبر تمسک به این نسخه شفابخش را راز رهایی از فتنه ها و خطرها معرفی می کند:

... هنگامی که فتنه ها چون شب تار شما را فرا گرفت، به قرآن رو آورید؛ زیرا قرآن، شفاعت کننده ای است که شفاعتش پذیرفته و گزارش دهنده ای است که گزارشش تصدیق شده است. هرکس قرآن را پیشوای خود قرار دهد، به بهشت راهنمایی اش کند و کسی که آن را پشت سر قرار دهد، به دوزخش کشاند. قرآن، هدایتگری است که به بهترین راه ها هدایت می کند و کتابی است که در آن جزئیات شریعت، بین حقایق و تحصیل حق قرار دارد. جدا کننده (حق و باطل) است که بیهوده ای در آن راه ندارد. قرآن، ظاهری دارد و باطنی که ظاهرش، حکم و دستور است و باطنش، دانش. ظاهرش، زیباست و باطنش، ژرف. قرآن ستارگانی دارد و ستارگانش نیز ستارگانی؛ شگفتی هایش به شماره نیاید و عجایبش کهنه نشود. چراغ های هدایت و نشانه های حکمت در قرآن است.(۲)

۱- مثنوی معنوی، دفتر ۱، بیت ۱۵۳۴.

۲- اصول کافی، ج۲، ص ۵۹۹.

گوش سپردن به قرآن، نظر کردن، تلاوت، درک معانی و مفاهیم، تأمل در تفسیر آن و تدبر و اندیشه در معانی اش، از مراتب انس با قرآن است.

۴. فرصتی را برای خلوت با او اختصاص دهید

۴. فرصتی را برای خلوت با او اختصاص دهید

آیا می دانید شایسته ترین جوان چه ویژگی هایی دارد؟ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، جوان پسندیده را چنین معرفی می کند:

دوست داشتنی ترین مخلوقات نزد خداوند متعال، جوان زیبارویی است که جوانی و جمال خویش را در راه خدا و برای طاعت او صرف کند. خدا به خاطر چنین جوانی بر فرشتگان می بالد و می فرماید: حقا که این جوان، بنده من است.(۱)

حضرت محمد صلی الله علیه و آله بر مناجات و خلوت با خدا تأکید داشت. خود نیز بدان مأنوس بود و یاران و جوانان پیرو خویش را تشویق می کرد که باب سخن را با خالق یکتا بگشایند و در نجوا با او سستی نورزند تا دل و جان دوست داران حق از نسیم لطف او عطرآگین شود.

گفت پیغامبر که چون کوبی دری

عاقبت زان در برون آید سَری

چون نشینی بر سر کویِ کسی

عاقبت بینی تو هم رویِ کسی(۲)

جوانی از انصار رابطه ای بسیار صمیمی با عبداللّه بن عباس داشت. شخصی،

۱- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، قم، انتشارات دارالحدیث، ۱۳۷۷، ج۵، ص۹.

۲- مثنوی معنوی، دفتر ۳، بیت ۴۷۸۳.

ابن عباس را به دلیل احترام بسیار به آن جوان، سرزنش کرد و گفت که او شب ها به قبرستان می رود و نبش قبر می کند.

ابـن عبـاس شـبی در پی جـوان، راهی قبرسـتان شـد و از دور او را می نگریست. که دیـد وی وارد قـبری شـد و به گریه و نـاله پرداخت. او گـاه بـا خـدای خود نجوا می کرد و گـاه با صـدای بلنـد، از حوادث پس از مرگ همچون تنهایی در قبر، رسوایی قیـامت و عـذاب دوزخ می گفت و به شـدت می گریست. جوان پس از مناجـات، از قبر بیرون آمـد. ابن عبـاس بی درنـگ به سویش رفت و او را در آغوش کشـید و گفت: چه قبرکن خوبی هستی! گناهان خود را به خوبی نبش و در پیشـگاه خـدا بدان اعتراف کردی!(۱)

به راستی، هر جوانی مخـاطب این سـخن پیامبر است که می فرمایـد: فَضْلُ الشّابِ الْعابِدِ الَّذِی تَعَبَّد فِی صِباهُ عَلَی الشَّیْخِ الَّذِی تَعَبَّدَ بَعْدَ مَا کَبُرَ سِنُّهُ کَفَضْلِ الْمُرْسَلینَ عَلَی سَائِرِ النّاسِ.(۲)

برتری جوان عبادت کننـده ای که خـدا را در جوانی عبادت کند، بر پیری که در کهن سالی به عبادت می پردازد، مانند برتری پیامبران الهی در برابر دیگران است.

آن حضرت از مباهات خداوند به وجود چنین جوانانی خبر می دهد و می فرماید:

اِنَّ اللّه تَعالَی یُباهِی بِالشّابِ الْعابِدِ الْمَلائِکَهَ، یَقُولُ: اُنْظُروا إِلَی عَبْدِی! تَرَکَ شَهْوَتَهُ مِنْ اَجْلِی.(۳)

خداوند به وجود جوان عابد، بر فرشتگان مباهات می کند و می فرماید: بنده مرا ببینید که به خاطر من چگونه از لذت جسمانی خویش (و از گناه) گذشته است.

پیامبر، نماز را نور چشم خود می خواند و در نهایت اشتیاق، وقت نماز را انتظار

۱- بحارالانوار، ج۶، ص ۱۳۰.
۲- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۹.
۳- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۹.

می کشید و به بلال می گفت: «ارحنا یا بلال؛ با (اذان) نماز به ما آرامش ببخش».(۱)

جان، کمال است و ندای او کمال

مصطفی گویان ارحنا یا بلال

ای بلال، افراز بانگ سلسلت

زآن دمی کاندر دمیدم در دلت

زآن دمی کآدم از آن مدهوش گشت

هوش اهل آسمان، بی هوش گشت(۲)

حضرت محمد صلی الله علیه و آله، نماز را به چشمه آب گرمی تشبیه می کرد که بر درِ سرای مردی قرار دارد و او روز و شب، پنج بار خود را در آن می شوید که در این صورت، دیگر چرکی بر تن وی نخواهد ماند.(۳)

باید به نماز دل سپرد و مراقب وقت و حدود و آدابش بود(۴) و با حضور قلب آن را به پا داشت که فقط نمازِ با حضور قلب، نماز حقیقی خواهد بود.

بشنو از اخبار آن صدرالصدور

لا صلوه تمّ الا بالحضور(۵)

۱- بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۱۹۳.

۲- مثنوی معنوی، دفتر ۱، بیت ۱۹۸۶.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹.

۴- کنزالعمّال، ح ۱۸۸۷۰.

۵- مثنوی معنوی، دفتر ۱، بیت ۳۸۱.

سفارش دیگر، آن است که پیوسته زمینه های غفلت از نماز را برطرف سازید. روایت می کنند جوانی از انصار با رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز می خواند و مرتکب گناه هم می شد. این موضوع را به پیامبر گزارش دادند. حضرت فرمود: «روزی فرا خواهد رسید که نمازش، او را از گناهان باز خواهد داشت.» پس طولی نکشید که توبه کرد.(۱)

۵. دشمن خود را بشناسید

۵. دشمن خود را بشناسید

شیطان از قدرتمندترین دشمنان انسان است که در قرآن بارها بر دشمنی آشکار او اشاره شده است: «از گام های شیطان پیروی مکنید؛ که او دشمن آشکار شماست. (او) شما را فقط به بدی و زشتی فرمان می دهد».(۲)

با این هشدار الهی، ضرورت بازشناختن دشمن روشن می شود؛ دشمنی که تمام کوشش او بر آن است تا وجود آدمی را از انسانیت تهی سازد یا وی را از پیمودن این راه باز دارد. یورش او نیز همه جانبه و فراگیر است: «ثُمَّ لَآَتِیَنَّهُمْ مِنْ بَیْنِ أَیْدِیهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنْ أَیْمانِهِمْ وَ عَنْ شَمائِلِهِمْ وَ لاتَجِدُ أَکْثَرَهُمْ شاکِرِینَ؛ آن گاه از یش رو و از شت سرشان و از طرف راست و از طرف چپشان بر آنها می تازم، و بیشترشان را شکرگزار نخواهی یافت». (اعراف: ۱۷)

شیطان «قصد دارد پیوندها و گره های جان شما را با احکام دین، یکی یکی بگشاید.»(۳) و با باز شدن هر گرهی، انسان از فطرت الهی خویش یک گام بیشتر فاصله

۱- بحارالانوار، ج۸۲، ص ۱۹۸.

۲- بقره: ۱۶۸.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۲۱.

می گیرد و در دام شیطان گرفتارتر می شود.

هیبت بانگ شیاطین، خلق را

بند کرده است و گرفته حلق را(۱)

ارتباط شیطان و انسان، تنها در حد «دعوت» و «اجابت» است؛(۲) به این معنی که شیطان، انسان را به بدی و معصیت فرا می خواند که البته در پذیرش این دعوت، هیچ اجباری برای انسان نیست.

شما توانایی آن را دارید که با اختیار خود، دعوت خیر و الهی را بپذیرید و به دعوت شیطان پشت پا زنید. شیطان در قیامت در پاسخ کسانی که به او اعتراض می کنند و وی را مسئول گمراهی خویش می دانند، چنین می گوید:

مرا بر شما هیچ تسلطی نبود، جز اینکه شما را دعوت کردم و شما دعوت مرا اجابت کردید. پس مرا سرزنش نکنید و خود را سرزنش کنید.(۳)

انبیا طاعات عرضه می کنند

دشمنان شهوات عرضه می کنند

نیک را چون بد کنم یزدان نِیَم

دایه ام من، خالق ایشان نِیَم

خوب را من زشت سازم، رب نه ام

زشت را و خوب را آیینه ام(۴)

۱- مثنوی معنوی، دفتر۳، بیت ۴۳۳۷.

۲- مرتضی مطهری، مجموعه آثار عدل الهی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۹۵.

۳- ابراهیم: ۲۲.

۴- مثنوی معنوی، دفتر ۲، بیت ۲۶۸۵.

در این هشدار پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نیز درنگ کنید که می فرماید:

ای مردم! شیطان از اینکه در سرزمین شما پرستش شود، نومید گشته؛ ولی گذشته از پرستش، خشنود می شود در پاره ای کارهای خود که آنها را کوچک می شمارید، از او پیروی کنید.(۱)

۶. مراقب آسیب ها و کمین های انحراف باشید

۶. مراقب آسیب ها و کمین های انحراف باشید

دوران جوانی را بایـد از آفت ها و بلاها در امان داشت و این دوره از زنـدگی را در پناه معنویت، به سـلامت سپری کرد. گناه کردن و پیروی از هوای نفس، بزرگ ترین آسیب و خطرنـاک ترین بلاـست. در حقیقت، پیروی از خواهش های نفسانی، در گریز از معنـویت و گرایش به باطـل نقش چشم گیری دارد، بـدان گـونه که جـوان هواپرست از درک حقیقت نـاتوان خواهد ماند.

حقیقت، سرایی است آراسته

هوا و هوس، گَردِ برخاسته

نبینی که هرجا که برخاست گَرد

نبیند نظر، گرچه بیناست مرد(۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمود: «اَعْدَی عَدُوِّکَ نَفْسُکَ الَّتی بَیْنَ جَنْبَیْکَ؛ دشمن ترین دشمنان تو نفس توست، همان که میان دو پهلویت جا دارد».(۳)

۱- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، منشورات جماعه المدرسین، ۱۴۰۴ هـ . ق، ص ۳۲.

۲- سعدی، کلیات اشعار، به کوشش: مظاهر مصفا، تهران، کانون معرفت، بی تا، ص ۳۰۱.

۳- ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی، قم، انتشارات سیدالشهدا، ۱۴۰۵ هـ . ق، ج۴، ص ۱۱۸.

نفس، هردم از درونم در کمین

از همه مردم بتر، در مکر و کین(۱)

با گـذشت قرن ها، هنوز بانگ پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله به گوش جان می رسد که جوانان را از گناه برحذر می دارد و بهار زندگی از بشارت او عطرآگین است که از قول پروردگار فرمود:

یَقُولُ اللّه ؛ اَیُّهَا الشّابُّ التّارِکُ شَهْوَتَهُ فِی الْمُبْتَذِل شَبَابَه! اَنْتَ عِنْدِی کَبَعْضِ مَلائِکَتِی.(۲)

ای جوانی که شـهوت های خود را در راه من ترک گفته ای ـ آن شـهوت هایی که جوانی را به ابتذال می کشاند ـ بدان که تو در پیشگاه من همانند بعضی از فرشتگانم هستی.

گناه، نوعی زشتی و پلیـدی است که خانه دل را تاریک و آن را جولان گاه شیطان می سازد، آدمی را به تباهی می کشانـد و از فطرت خداپرستی دور می کند.

خنجر گناه، چشم دل را کور می کنـد و این کوردلی،(۳) به آلوده شدن جسم می انجامد، چنان که نبی اکرم صـلی الله علیه و آله می فرماید: «هرگاه دل آدمی ناپاک شد، جسم نیز ناپاک می شود».(۴)

پیامبر، در تمثیل زشتی گناه می فرماید: «در شـگفتم از کسـی که از بیم درد، از غذا پرهیز می کند. پس چگونه از ترس آتش، از گناهان نمی پرهیزد؟»(۵)

مرد بیماری از مقابل پیامبر و اصحابش گذشت. بعضی از اصحاب، آن مرد را دیوانه

۱- مثنوی معنوی، دفتر۱، بیت ۹۰۶.

۲- صادق احسان بخش، آثار الصادقین، رشت، ستاد برگزاری نماز جمعه، ۱۳۷۱، ج۹، ص۲۵۳.

۳- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : «شَرُّ الْعَمی عَمْیُ الْقَلْبِ؛ بدترین کوری ها کوری دل است». بحارالانوار، ج۶۷، ص۵۱.

۴- بحارالانوار، ج۶۷، ص۵۱.

۵- بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۳۴۷.

خطاب کردند. رسول گرامی اسلام با اشاره به بیمار بودن (نه دیوانه بودن) آن ره گذر فرمود: «دیوانه آن مرد و زنی است که جوانی خویش را در غیر فرمانبرداری خدا هدر داده باشد».(۱)

آن حضرت، پیوسته جوانان را از نافرمانی خدا برحذر می داشت و ایستادگی در برابر معصیت را جهاد می دانست(۲) و می فرمود:

هر کس [موقعیت انجام] کار ناپسند یا چیزی را که به آن تمایل دارد، بیابد و از ترس خدا از آن دوری گزیند، خداوند، آتش را بر او حرام می کند و از ترس بزرگ ایمنش می دارد و به وعده ای که در کتابش به او داده است، عمل خواهد کرد، آنجا که فرموده است: «وَ لِمَنْ خافَ مَقامَ رَبِّهِ جَنَّتانِ؛ کسی که از مقام پروردگارش بترسد، دو بهشت دارد». (الرحمن: ۴۶)

ترکِ شهوت ها و لذت ها سخاست

هر که در شهوت فرو شُد، برنخاست

این سخا شاخی است از سروِ بهشت

وایِ او کز کف چنین شاخی بِهِشت

عروه الوثقی است این ترک هوا

برکشد این شاخ جان را بر سما(۳)

جوانی نزد پیامبر آمد و اجازه زنا خواست. مردم بر سرش فریاد کشیدند، ولی حضرت فرمود: «آرام باشید». آن گاه رو به جوان کرد و پرسید: «آیا این کار را برای

۱- طبرسی، مشکاه الانوار، قم، مؤسسه دارالحدیث، ۱۴۱۸ هـ . ق، ص۱۶۹.

۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : «مَنْ صَبَر عَنْ مَعْصِیَهِ اللّه فَهُوَ کَالْمُجاهِدِ فِی سَبیلِ اللّه». مستدرک الوسائل، ج۱۱، ص۲۸۷.

۳- مثنوی معنوی، دفتر ۲، بیت ۱۲۷۵.

مادرت هم می پسندی؟» گفت: نه. حضرت فرمود: «مردم هم برای مادرانشان نمی پسندند. آیا تو برای خواهرت هم می پسندی؟» جوان گفت: نه. حضرت فرمود: «مردم هم برای خواهرانشان نمی پسندند.» آن گاه پرسید: «آیا برای عمه ات می پسندی؟» جوان دوباره پاسخ منفی داد. حضرت فرمود: «مردم هم برای عمه هاشان نمی پسندند.» پس فرمود: «زشت بدان آنچه را برای خود زشت می دانی و بپسند آنچه را برای خود می پسندی».(۱)

چیرگی بر هوای نفس، تنها در پی مراقبت از خود به دست می آید. پاداش دست کشیدن از خواسته ها و به جان خریدن رنج ترک گناه، بهشت موعودی است که ارزانی خدادوستان می شود،(۲) چنان که گفته اند: «بهشت به سختی ها و دوزخ به تمایلات آمیخته است».(۳)

روزی حضرت محمد صلی الله علیه و آله به یاران خود فرمود: «آیا شما را از دردتان و درمان آن آگاه نکنم؟» گفتند: چرا یا رسول اللّه ! حضرت فرمود: «دردتان، گناه است و درمانتان، استغفار».(۴)

توبه برای همه پسندیده است، ولی برای جوانان، پسندیده تر است. پیامبر خدا می فرماید: «اَلتَّوْبَهُ حَسَنٌ وَ لكِنَّ فِی الشَّبابِ اَحْسَنُ؛ توبه نیکوست، ولی در جوانی نیکوتر است».(۵)

رسول خدا صلی الله علیه و آله از علاقه شدید خدا به جوان پشیمان از گناه یاد می کند و

۱- محمد بن یوسف صالحی، سبل الهدی و الرشاد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ ه_ . ق، ج۷، ص ۴۳۷.
۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : «طُوبی لِمَنْ تَرَکَ شَهْوَهً حاضِرَهً لِمَوْعُودٍ لَمْ یَرَهُ؛ خوشا به حال کسی که به خاطر موعودی که آن را ندیده است، دست از تمایلات حاضر بردارد». صدوق، الخصال، قم، منشورات جماعه المدرسین، ۱۴۰۳ه_ . ق، ص۳.
۳- بحارالانوار، ج۶۸، ص ۷۲.
۴- بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۲۸۲.
۵- کنزالعمال، ح ۴۴۱۶۸.

می فرمایـد: «مَا فِی الـدُّنْیا شَـیْ ءٌ اَحَبُّ اِلَی اللّه ِعَزَّوَجَلَّ مِنْ شابٍّ تائِبٍ؛ هیـچ چیز در دنیا برای پروردگار، دوست داشـتنی تر از جوان توبه کار نیست».(۱)

روزی صحابی جوان، معاذ بن جبل از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره توبه نصوح پرسید. حضرت محمد صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود: «أَنْ یَتُوب التّایِئبُ ثُمَّ لایَرْجِعُ فِی ذَنْبٍ کَما لاَیَعُودُ اللَّبَنُ إِلَی الضَّرْعِ؛ [توبه نصوح یعنی] توبه کننـده چنان به خدا روی آورد که دیگر به گناه بازنگردد، همان گونه که شیر دوشیده شده هرگز به پستان باز نمی گردد».(۲)

۷. آگاهی دینی خود را تعالی بخشید

۷. آگاهی دینی خود را تعالی بخشید

اگر در پی یافتن شایسته ترین روش زندگی هستید و می خواهید زندگی خود را با بندگی خدا در هم آمیزید، به شناخت دین خود بیشتر اهمیت دهیـد. دین، همان روش زنـدگی است که زندگی شخصـی و اجتماعی را با پرسـتش خدای متعال پیوند می دهد و در همه زمینه های فردی و اجتماعی برای انسان مسئولیت الهی ایجاد می کند. عمل به این مجموعه دستورهای علمی و اخلاقی، برای انسان خوشبختی را در این جهان و کام یابی جاودانه را در جهان دیگر به ارمغان می آورد.

دین، آدمی را بزرگ می سـازد(۳) و وی را از هر زشـتی و کـج روی بـاز می دارد. دیـن است که به میـل درونی جـوان برای سـاختن هـویت و آراسـتن آن، پاسـخ منـاسب می دهـد؛ زیرا انسـان عطشـی دارد که تنهـا بـا نوشـیدن جرعه یـاد خـدا فرو می نشیند.(۴)

۱- مشکاه الانوار، ص۲۹۷.

۲- طبرسی، مجمع البیان، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۷۴ هـ . ق، ج ۱۰، ص۳۱۸.

۳- تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، شـرح و ترجمه: آقاجمال خوانساری، تهران، انتشارات دانشـگاه تهران، ۱۳۶۶، ج ۱، صص ۹ و ۱۰.

۴- نهج البلاغه، خطبه ۱۲۴، ص۱۲۲.

دین داری، فراگیری معارف دینی و اندیشه در آن، از سفارش های همیشگی پیامبر خدا بود. ایشان می فرمود: «برترین نیکی خدا بر بندگان، آن است که آنها را در فهم دین دانا کند».(۱)

شناخت بایدها و نبایدهای دینی و حلال ها و حرام ها، از بایسته های دوران جوانی است(۲) که اگر با علم و اندیشه همراه شود، هویت، شرف و عزت جوان را همواره حفظ خواهد کرد.

روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله وارد مسجد (مدینه) شد و دو گروه را دید که هر کدام حلقه ای تشکیل داده و سرگرم کاری بودند. یک دسته سرگرم عبادت و ذکر بودند و دسته دیگر، سرگرم یاد دادن و یاد گرفتن. حضرت از دیدن هر دو گروه خرسند شد و به همراهان خود رو کرد و فرمود: «هر دو گروه، کار نیک می کنند و بر خیر و سعادتمندند...». آن گاه افزود: «بِالتَّعلیمِ اُرْسِلْتُ؛ ولی من برای تعلیم فرستاده شده ام.» سپس به جمع کسانی پیوست که سرگرم بحث علمی بودند.(۳)

بنابراین، شایسته است بر شناخت خود از دین بیفزاییم و با مطالعه و یادگیری، آن را تعالی بخشیم و این سخن امیرمؤمنان، علی علیه السلام، ممتازترین شاگرد مکتب محمد صلی الله علیه و آله را همواره به یاد داشته باشیم که به جوانان می فرمود: «یا مَعْشَرَ الفِتْیانِ! اُحْصُنوا دِینَکُمْ بِالْعِلْمِ؛ ای گروه جوانان! دین خود را با دانش حفظ کنید».(۴)

۸. باورهای خود را بسنجید

۸. باورهای خود را بسنجید

۱- بحارالانوار، ج۱، ص۱۷۷.
۲- حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا، ج۱۵، ص۱۹۴.
۳- بحارالانوار، ج۱، ص ۲۰۶.
۴- ابی واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمدابراهیم آیتی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱، ج۲، ص ۱۳۳.

شما در دوره تحصیل بارها در معرض آزمایش و ارزیابی توانایی هاتان قرار گرفته و به ضعف ها و توان مندی های خود پی برده اید. شایسته است جوان نیز زمانی را به سنجش باورها و دیدگاه های خویش اختصاص دهد تا باورهای درست خود را حفظ کند و آنها را نهادینه سازد و کاستی ها را نیز اصلاح و تکمیل کند. به نمونه ای از ارزیابی های دوره پیامبر بنگرید. روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله از جابر، جوان سخت کوش مدینه، پرسید: «در نماز چگونه قرائت می کنی؟» جابر پاسخ داد: می گویم الحمد للّه رب العالمین! پیامبر فرمود: «بگو بسم اللّه الرحمن الرحیم. الحمدللّه رب العالمین. الرحمن الرحیم...».(۱)

عرضه باورها به اهل دانش و سنجش آن، رویه ای معمول و دغدغه بسیاری از یاران امامان معصوم علیهم السلام بوده است. روزی عبدالعظیم حسنی نزد امام هادی علیه السلام آمد و عرض کرد: من برآنم که ایمان و اعتقاد خود را در حضور شما بازگو کنم. اگر پسند و رضایت شما در آن بود، بر آن استوار بمانم تا به دیدار پروردگار برسم. پس از بیان اعتقادات خود به امام، آن حضرت به او فرمود: «به خدا سوگند، عقاید تو همان دینی است که پروردگار برای بندگانش در نظر گرفته است. پس بر آن پایدار بمان. خداوند تو را در دنیا و آخرت بر این عقیده پایدار نگه دارد».(۲)

در سنجش باور، مهم ترین امر، اطمینان یافتن از سلامت دین است؛ زیرا «سلامت دین، نزد ما محبوب تر از هر چیز دیگر است.»(۳) و پیامبر اسلام از بی توجهی امتش به آن اظهار نگرانی می کرد: «اَخَافُ عَلَیْکُم اِسْتِخْفافا بِالدِّینِ؛ همانا بر شما از سبک شمردن دین نگرانم».(۴)

۱- مستدرک الوسائل، ج۴، ص ۱۶۸.

۲- اصول کافی، ج۱، ص ۱۸۸ .

۳- بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۳۵۳.

۴- بحارالانوار، ج۷۲، ص۷۷۲.

۷ روشنا ـ رشد

اشاره

۷ روشنا ـ رشد

زیر فصل ها

۱. جوانی را یک فرصت بدانید

۱. جوانی را یک فرصت بدانید

مدت زندگی، کوتاه است و مهم ترین فنِ بهتر زیستن، بهره جستن از فرصت های بی نظیری است که بر ما می گذرد. «فرصت جوانی» با دیگر موهبت هایی که در اختیار دارید، متفاوت است. این فرصت، ناپایدار و رَفتنی است و تباه ساختن آن، تنها غم و اندوه و پشیمانی را برای دوران پس از آن، به جا می گذارد. از پیامبر رحمت نقل است: «تَرْکُ الْفُرَصِ غَصَصٌ؛ از دست دادن فرصت ها، اندوه بار است».(۱)

فرصت نمی دهد که بشویم ز دیده خواب

از بس که تند می گذرد جویبار عمر

صائب تبریزی

جوانی، فرصت زودگـذر و محـدودی است که گنجینه ای در حدود یک صدهزار ساعت از زمان عمر آدمی را در خود دارد. تسلط بر این سرمایه گران بها و گذرا، تلاش و

۱- میزان الحکمه، ج۶، ص ۲۳۹۹.

تدبیر شما را می طلبد. بر اساس پژوهش های انجام شده، یک عمر هفتاد ساله به طور متوسط صرف این گونه امور می شود:

الف) ۲۵ سال خواب؛

ب) ۸ سال مطالعه و تحصیل و یادگیری؛

ج) ۶ سال استراحت و بیماری؛

د) ۷ سال تفریح و تعطیلات؛

ه) ۵ سال رفت و آمد؛

و) ۴ سال برای آماده کردن غذا؛

ز) ۳ سال برای آمادگی جهت انجام فعالیت های یاد شده؛

ح) ۱۲ سال (باقی مانده) کار مفید.(۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر غنیمت شمردن دوران جوانی بسیار تأکید داشت و می فرمود: «إِغْتَنِمْ خَمْسا قَبْل خَمْسٍ شَبابَکَ قَبْلَ هَرَمِکَ...؛ پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت شمر: جوانی را پیش از پیری...».(۲)

بودم جوان که گفت مرا پیر و استاد

فرصت غنیمت است، نباید ز دست داد

سعدی شیرازی

جوانی، فرصتی بازگشت ناپذیر است. ازاین رو، خسّت و دقت در سپری کردن آن، پسندیده است و سهل انگاری در گذراندن ساعت ها و لحظه های دوران جوانی، نارواست.

۱- مجله تدبیر، ش ۸۴، ص ۳۹.

۲- ادامه سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین است: «... وَ صِحَّتَکَ قَبْل سَقْمِکَ، وَ فَراغَکَ قَبْل شُغْلِکَ، وَحیاتَکَ قَبْل مَوْتِکَ وَ غَناکَ قَبْل فَقْرِکَ». راوندی، الدعوات، قم، دارالحدیث، بی تا، ص۱۱۳.

افزون بر اینکه آراستن آن با کوشش و فعالیت، آینده ای سبز و سرشار از موفقیت را رقم خواهد زد. رسول گرامی اسلام می فرماید: «پروردگار، فرشته ای دارد که هر شب [بر آسمان زمین] فرود می آید و بانگ برمی آورد: ای بیست ساله ها! تلاش کنید».(۱)

جوانی، نیکوترین فرصت ها و نسیم رحمت است که باید به خوبی از آن بهره جست و این رحمت خدادادی را با زیرکی، تیزبینی و دوراندیشی پاس داشت، آن گونه که حضرت محمد صلی الله علیه و آله می فرماید: «در ایام زندگی تان، نسیم های رحمتی می وزد. مراقب باشید که خود را در معرض آنها قرار دهید».(۲)

گفت پیغامبر که نفحت های حق

اندر این ایام، می آرد سبق

گوش و هُش دارید این اوقات را

در رُبایید این چنین نفْحات را

نفحه آمد مر شما را دید و رفت

هر که را می خواست، جان بخشید و رفت

نفحه دیگر رسید، آگاه باش

تا از این هم وانمانی، خواجه تاش(۳)

بنابراین، لحظه لحظه زندگی را جدی بگیرید و فرصت جوانی را دریابید.

۱- مستدرک الوسائل، ج۱۲، ص۱۵۷.

۲- بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۲۲۱.

۳- مثنوی معنوی، بیت ۱۹۳۶.

۲. بلندهمت باشید

۲. بلندهمت باشید

بزرگ ترین ضعف یک جوان این است که خود را کوچک انگارد. به راستی انسان را چیزی مانند همتش، بلندمرتبه نمی کند. بنابراین، خود را دست کم نگیرید؛ چرا که هر کس بر نردبان همت فراز آید، به مقصود دست یابد.

روزی پیامبر به ربیعه بن کعب فرمود: «هفت سال است که تو به من خدمت کرده ای. آیا درخواستی از من نداری؟»

عرض کرد: یا رسول اللّه صلی الله علیه و آله مهلتی ده تا در این باره بیندیشم.

او روز بعد به نزد پیامبر آمد و گفت: از خدا بخواه که در بهشت مرا نزد تو جای دهد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چه کسی این را به تو آموخت؟» گفت: کسی به من نیاموخت، بلکه با خود اندیشیدم و گفتم: اگرمال دنیا بخواهم، فانی و نابودشدنی است و اگر عمر دراز بخواهم، سرانجامش مرگ است؛ پس چیزی بخواهم که جاودانه باشد. حضرت لختی سر به زیر افکند و سپس فرمود: «باشد، چنین خواهم کرد، ولی به شرط آنکه با سجده های طولانی یاری ام دهی».(۱)

گفت مغناطیس عشّاق الست

همت عالی است کشف و هرچه هست

هر که را شد همت عالی پدید

هرچه جست، آن چیز حالی شد پدید

هر که را یک ذره همت داد، دست

کرد او خورشید را زان ذره پست

عطار نیشابوری

۱- بحارالانوار، ج۲۲، ص ۸۴.

انسان بلندهمت، هماره پیروز است؛ زیرا:

در اندیشه پاسخ است،

همیشه طرحی دارد،

حل مشکل را ممکن می شمارد،

در هر مشکلی، راه حل آن را می بیند.

مرغ، با پَر می پرد تا آشیان

پَرِّ مردم، همت است ای مردمان

منگر این را که حقیری و ضعیف

بنگر اندر همت خود، ای شریف

دست دادستت خدا، کاری بکن

مَکسَبی کن، یارِی یاری بکن

هر کسی در مکسبی پا می نهد

یارِی یارانِ دیگر می کند

می دَوَد حمّال زی بارِ گران

می رُباید بار را از دیگران

جنگ حمّالان برای بار بین

این چنین است اجتهاد کار بین(۱)

۱- مثنوی معنوی، دفتر ۶، بیت ۱۳۴؛ دفتر ۳، بیت ۱۴۳۹ ؛ دفتر ۵، بیت ۲۴۲۰ و ۲۴۲۱؛ دفتر ۲، بیت ۱۸۳۶ و ۱۸۳۷.

۳. به آینده امیدوار باشید

۳. به آینده امیدوار باشید

چراغ امید را در زندگی همیشه روشن نگه دارید که در فروغ آن و با نیروی اراده، نیازها، خواسته ها و تمایلات، جامه عمل می پوشد. جوان، زمانی به هدف های خود عشق می ورزد و اراده و تلاش خود را به کار می گیرد که افق آینده را روشن ببیند.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، امیدواری را رحمت می داند و می فرماید:

امید و آرزو، رحمتی است برای پیروان من. اگر امید نبود، هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی داد و هیچ باغبانی، درختی نمی نشاند.(۱)

امید، کلید کام یابی و خوش بختی جوان است و با مرکب امید می توان از موانع و تنگناهای روزگار گذشت.

اگر امید از آدمی گرفته شود، بدبخت ترین موجود زمین خواهد شد و غول افسردگی، او را در زندان نگرانی ها، دشواری های تحصیلی، شغلی، مالی و مشکلات برخاسته از روابط خانوادگی و اجتماعی اسیر می کند و دنیای وی را غم انگیز و سرد و بی روح می سازد. پس مراقب باشید ظلمت ناامیدی بر شما چیره نشود که اگر قلب آدمی را تسخیر کند، وی را از پا در خواهد آورد.(۲)

زندگی را یأس، خواب آور بود

این دلیل سستی عنصر بود

از دمش میرد قوای زندگی

خشک گردد چشمه های زندگی

اقبال لاهوری

آنان که روحیه ناامیدی دارند، بیشترین کوتاهی را در حق خود می کنند؛ چرا که رشته

۱- بحارالانوار، ج۷۴، ص ۱۷۳.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۱۰۸.

پیوند با زندگی را بریده و به نوعی خودکشی روحی روی آورده اند. انسان ناامید، همچون کاشانه بی چراغ است.

کوی نومیدی مرو، امیدهاست

سوی تاریکی مرو، خورشیدهاست(۱)

در گنجینه معارف اسلام، ناامیدی، بزرگ ترین مصیبت و سرچشمه هلاکت معرفی شده است. از وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل است: «برای ناامید، تلخی و درد و هلاکت است».(۲)

زندگی سرشار از امید، زیباست، تا جایی که سفارش کرده اند:

درباره آنچه [به آن] امیدوار نیستی، بیشتر از آنچه [به آن] امیدواری، امید داشته باش؛ زیرا موسی بن عمران به امید تهیه آتش برای خانواده اش بیرون رفت که خدای متعال با او سخن گفت و به لطف ایزدی به پیامبری برگزیده شد.(۳)

غرّه مشو که مرکب مردان مرد را

در سنگلاخ بادیه پی ها بریده اند

نومید هم مباش که رندان جرعه نوش

ناگه به یک ترانه به منزل رسیده اند

شیخ احمد جام

دنیای جوان با امید برپاست و موفقیت و پیشرفت او مرهون پرورش این عطیه الهی است.

۱- مثنوی معنوی، دفتر ۱، بیت ۷۲۹.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج۵، ص۲۷.

۳- بحارالانوار، ج ۷۱، ص۱۳۴.

۴. دوراندیشی را فراموش نکنید

۴. دوراندیشی را فراموش نکنید

دوراندیشی یکی از عوامل مؤثر در تمام موفقیت هاست که در سایه آن می توان از آسیب ها در امان ماند. کسی که با دوراندیشی، امورش را پیش نبرد، ناتوانی و درماندگی بازش می دارد.(۱) پس در هیچ تصمیمی، دوراندیشی را فراموش نکنید، که برایتان خوش بختی به ارمغان می آورد و پیروزی، با دوراندیشی و اراده استوار به دست می آید.

مردی با اصرار بسیار، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله جمله ای به عنوان اندرز خواست. رسول اکرم صلی الله علیه و آله سه مرتبه از وی پرسید: «اگر بگویم، به کار می بندی؟» و مرد هر بار پاسخ مثبت داد.

حضرت برای آنکه او را متوجه اهمیت مطلبی کند که می خواست بگوید، سه بار از وی قول گرفت. آن گاه به او فرمود:

هر گاه تصمیم به انجام کاری گرفتی، ابتدا در نتیجه و عاقبت آن کار بیندیش. اگر دیدی عاقبتش خیر است، آن را انجام بده و اگر عاقبتش گمراهی و تباهی بود، از تصمیم خود صرف نظر کن.(۲)

دوراندیشی، در گرو دانایی و رایزنی با خردمندان و پیروی از سخنان آنان است. از خودرأیی بپرهیزید و در تصمیم گیری های خود رایزنی کنید، چنان که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نیز می فرماید: «اَلْحَزْمُ اَنْ تَسْتَشِیرَ ذَا الرَّایِ وَ تُطیعَ اَمْرَهُ؛ دوراندیشی، در مشورت با خردمندان و پیروی از سفارش های آنان است».(۳)

۵. با مشکلات کنار بیایید

۵. با مشکلات کنار بیایید

زندگی، آمیخته درد و رنج است و موانع و مشکلات، بخشی از زندگی اند. درد و

۱- «اَلْحَزمُ صَنَاعَهٌ، ثَمرهُ الْحَزْمِ اَلسَّلامَهُ، مَنْ لَمْ یُقْدِمْهُ الْحَزْمُ اَخَّرَهُ الْعَجْزُ». بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۳۹.

۲- وسائل الشیعه، ج۲، ص ۴۵۷.

۳- دیلمی، اعلام الدین، قم، المطبعه المهدیه، بی تا، ص ۲۹۴.

رنج های زندگی سه ویژگی دارند:

۱. پایان ناپذیرند؛

۲. استثنا ناپذیرند؛

۳. تعمیم پذیرند.

باید شیوه برخوردمان با مشکلات را اصلاح کنیم. در این صورت، می توان این دردها و رنج ها را تحمل کرد و حتی بالاتر از آن، می توان به نوعی خرسندی باطنی رسید.

با مشکلات همچون یک فرصت سودمند برخورد کنید؛ چرا که از دل مشکلات، به نتایج مثبتی می توان دست یافت.

بعد ضدّ رنج، آن ضدّ دگر

رو دهد؛ یعنی گشاد و کرّ و فر

این دو وصف از پنجه دستت ببین

بعد قبض مشت، بسط آید یقین

پنجه را گر قبض باشد دایما

یا همه بسط او بود چون مبتلا

زین دو وصفش کار و مکسب منتظم

چون پر مرغ این دو حال او را مهم(۱)

قبض و بسط ها، لازمه زندگی انسانی است. وقتی مشکلات را بخشی از زندگی بدانید و روش درستی در برخورد با آن برگزینید و استقامت ورزید، گشایش به شما رو می آورد.

۱- مثنوی معنوی، دفتر۳، بیت ۳۷۶۳.

به این نکته توجه کنید: «اِشْتَدّی أزْمه تَنْفَرِجی؛ ای سختی، بر شدت بیفزا تا گشایش حاصل شود».(۱)

بی شک این باور که پس از هر سختی و رنج (عسر)، گشایشی(یسر) هست و در دل هر سختی، گشایشی نهفته است، به زندگی رونق و نشاط می بخشد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از نزول سوره انشراح و تأکید خداوند بر این نکته که «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْرا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْرا» (انشراح: ۵ و ۶) دریافت، همراه هر سختی، «دو آسانی» خواهد بود. با این مژده الهی، چهره مبارکش شکفت. پس این جمله را تکرار می کرد و می فرمود: «یک سختی با دو آسانی چه خواهد کرد؟ خدا به من وعده آسانی و قول گشایش پس از این سختی ها را داده است».(۲)

یسر با عسر است هین، آیس مباش

راه داری زین ممات اندر معاش(۳)

۶. با نگرانی، بجنگید

۶. با نگرانی، بجنگید

اجازه ندهید خوره نگرانی به جانتان بیفتد؛ زیرا نگرانی هیچ ثمری ندارد. به جای نگرانی، درباره مسائل خوب بیندیشید و آنها را بررسی کنید.

آنان که در زندگی بسیار درگیر تصورهای وحشتناک خود بوده اند، اقرار کرده اند که تنها بعضی از آن امور اتفاق افتاده، در حالی که اندیشیدن به آن، زمان زیادی را از ایشان

۱- قاضی قضاعی، شهاب الاخبار، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱، ص ۳۲۹.

۲- مرتضی مطهری، مجموعه آثار سیره نبوی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۰، ج ۱۶، ص ۱۳۸.

۳- مثنوی معنوی، دفتر۵، بیت ۳۶۱.

تلف کرده است.(۱)

مهم ترین راه کـار در برخورد بـا نگرانی هـا، مصـمم بودن است. همیشه در پی یـافتن راه هـای بهتری برای انجـام دادن کـارها باشـید. تصـمیم گرفتن، آغاز راه است. وقتی تصـمیمی درست می گیریـد، آن را تا آخر دنبال کنیـد. هرچه در کار و تحصـیل خود پیشرفت می کنید، تصمیم های بزرگ تری بگیرید. هیچ کس نیست که همیشه تصمیم درست بگیرد.

به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله : «از «اگر» کردن بپرهیزید؛ زیرا گشایش ِباب اعمال شیطانی است».(۲)

برای چیره شـدن بر نگرانی، قـوی باشـید؛ همانـا مـؤمنی کـه اراده قـوی دارد، بر مـؤمن سـست اراده برتری دارد و نزد خـداوند محبوب تر است.

«به هر کاری که در آن برایت خیر و منفعت هست، حریص باش و در عین حال از خدا یاری بطلب و ناتوانی از خود نشان نده. در صورتی که مصـیبتی به تو روی آورد، نگو اگر چنین و چنان می کردم، این اتفاق نمی افتاد، بلکه بگو تقدیر و مشیت الهی چنین بود. «اگر» کردن، گشایش باب اعمال شیطانی است».(۳)

موج های فکری نگران کننده را از مغزتان دور سازید و بدانید که برای زندگی کردن باید در خود نشاط بیافرینید.

۷. خود را از مشورت محروم نسازید

۷. خود را از مشورت محروم نسازید

تا حد امکان با دیگران مشورت کنید و پیشنهاد آنها را در نظر بگیرید. جوانانی که

۱- ریچارد کارلسون، زندگی یک فوریت نیست، ترجمه: فاطمه معتمدی، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۸۲.

۲- «اِيّاكُمْ وَ اللَّوْ فَاِنَّ اللَّوَ يَفْتَحُ عَمَلَ الشَّيطانِ». مسند احمد، ج۲، ص ۳۶۶.

۳- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۸۵ هـ . ق، ج۱۱، ص ۲۲۸.

بدون استفاده از تجربه دیگران تصمیم می گیرند، فرصتی ارزشمند را از دست می دهند.

هرگز از ترس متهم شدن به نادانی، مشورت را ترک نکنید و این سخن پیامبر را به یاد داشته باشید که فرمود: «لَا مظاهَرَهَ اَوْثَقُ مِنَ الْمُشَاوَرَهِ؛ هیچ پشتیبانی مطمئن تر از مشورت نیست».(۱)

مشورت، ادراک و هشیاری دهد

عقل ها مر عقل را یاری دهد

گفت پیغامبر، بکن ای رای زن

مشورت، کالمستشار مؤتمن(۲)

بنابراین، از وجود مشاوری دانا بهره گیرید که تمام انسان های موفق، مشاوری معتمد داشته اند. به هر حال، احتمالاً کسانی پیش از شما، راهی را که شما می خواهید بروید، رفته اند و به همان هدفی که شما می خواهید به آن برسید، رسیده اند؛ مشورت با این رفته ها و رسیده ها، کمک زیادی برای شماست. این سخن پیامبر را نیز فراموش نکنید: «نه کسی از مشورت، بدبخت شده است و نه خودرأی، خوش بخت».(۳)

۱- برقی، المحاسن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ه_ . ق، ج۲، ص ۴۳۵.

۲- مثنوی معنوی، دفتر ۱، بیت ۱۰۴۳.

۳- اسماعیل بن محمد عجلونی، کشف الخفاء، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ه_ . ق، ج۱، ص ۴۲۲.

۶ روشنا _ تلاش

اشاره

۶ روشنا ــ تلاش

زیر فصل ها

۱. فقط برنامه ریزی

۲. از فراگیری دانش خسته نشوید

۳. از بی کاری بگریزید

۴. پیوسته بانشاط باشید

۵. ورزش کنید

۶. سفر کنید

۱. فقط برنامه ریزی

۱. فقط برنامه ریزی

نظم و انضباط بر کارهایش حکم فرما بود. اوقات خویش را تقسیم و این کار را به دیگران نیز سفارش می کرد. اصحابش با اثرپذیری از او انضباط را به دقت رعایت می کردند. این، سبک زندگی پیامبر بود؛ شما چگونه اید؟ آیا ترجیح می دهید نظم گرا باشید یا تصادف گرا؟

اگر دوست دارید به موفقیت های بیشتری دست یابید، منظم باشید و شرایطی فراهم سازید که همه چیز با برنامه ریزی، از پیش معیّن شده باشد.

بر اساس برآوردهای صورت گرفته، فقط سی تا چهل درصد توان انسان ها به کار گرفته می شود و محاسبات نشان می دهد که افراد، شصت درصد از فرصت های کاری خود را هدر می دهند؛ زیرا شناخت کافی ندارند، هدف هایشان روشن نیست و برنامه ریزی ها و تعیین اولویت ها دقیق انجام نمی شود. با نظم و ترتیب می توانید هر چیز را سریع و به موقع درک کنید و همواره خود را آماده و پر توان ببینید.

در برنامه ریزی هایتان باید از شـرایط و موقعیت خود آگاه باشید. در این صورت، مدیریت خویشتن و نظم دادن به امور، آسان خواهد بود.

برای منظم شدن، می توانید از روش های زیر کمک بگیرید:

الف) شما به اندیشه ای سازمان یافته نیاز دارید تا تمام اطلاعات مربوط به کارهایی را که بر عهده شماست، ثبت و از فعالیت هایی که تاکنون انجام شده، گزارش تهیه کنید.

ب) امور مورد نظر خود را به گونه ای سازمان دهی کنید که همه به یکدیگر مربوط و پیوسته باشند و هرچیز را در جای خودش بررسی کنید.

ج) برای خود در فاصله های منظم، فرصت استراحت و تفریح پیش بینی کنید.

د) با مراجعه روزانه به فهرست کارهای در حال اجرا، هر کدام از آنها را که به پایان رسیده است، از فهرست حذف کنید.

ه) فهرست مهم ترین فعالیت ها و برنامه های خود را یادداشت کنید و در هر فرصت به آن نظری بیفکنید تا هیچ کدام فراموش نشوند.(۱)

بکوشید بر برنامه کار خود چنان مسلط باشید و همه جنبه های آن را در نظر بگیرید که به محض خارج شدن از راه درست یا اقدام به فعالیت های غیرضروری، فوری به اشتباهتان پی ببرید و روند کارتان را اصلاح کنید و تنها بر اساس برنامه ریزی انجام شده گام بردارید. این سخن امیرمؤمنان، علی علیه السلام را فراموش نکنید که می فرماید: «کار هر روز را در همان روز انجام ده؛ زیرا هر روز کاری مخصوص به خود دارد».(۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمود:

برای رسیدگی به کارها، تقسیم وقت کن و تمام تلاش خود را به کار گیر. کار هر روز را همان روز انجام بده و بهترین وقت هایت را به رابطه با پروردگارت اختصاص بده.(۳)

۱- کیت کنان، چگونه بر خویشتن مدیریت کنیم؟، ترجمه: قاسم کریمی، تهران، انتشارات قربانی، ۱۳۸۰، ص ۳۳.

۲- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۳- التیمی، دعائم الاسلام، قاهره، دارالمعارف، ۱۳۸۵ ه_ . ق، ج ۱، ص ۳۶۸.

۲. از فراگیری دانش خسته نشوید

۲. از فراگیری دانش خسته نشوید

در فراگیری دانش، هیچ گاه خستگی به خود راه ندهید و به فارغ التحصیلی نیندیشید.

این سفارش پیامبر را همواره به یاد داشته باشید که می فرمود:

هر هوشمند و خردمندی باید به چهار چیز پای بند باشد: شنیدن؛ حفظ کردن؛ نشر دادن و عمل به دانش.(۱)

جوان با پیمودن پله های دانش، توان صعود می یابد. در غیر این صورت، جوانی خویش را تباه می سازد و به خطا می رود.

ز دانش، زنده مانی جاودانی

ز نادانی، نیابی زندگانی

بود پیدا بر اهل علم، اسرار

ولی پوشیده گشت از چشم اغیار

ناصرخسرو

علم، گنجینه ای گران بها، راهنمایی مطمئن و حیاتی متعالی است. چراغِ عقل است و چشمه فضیلت(۲) و اساس هر خوبی(۳) که آدمی بدان بزرگ می شود.(۴) جایگاه جوینده علم در کلام نبوی چنین بیان شده است: «هر کس که در جست وجوی دانش باشد، بهشت در

۱- بحارالانوار، ج۷۴، ص ۱۶۲.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج۱، صص ۲۵، ۴۱، ۵۲، ۱۴۴.

۳- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : «اَلْعِلْمُ رَأْسُ الْخَیْرِ کُلِّهِ». بحارالانوار، ج۷۷، ص۱۷۵.

۴- امام علی علیه السلام : «العلم مَجَلّه». غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۵۵.

جست وجوی او برخواهد آمد».(۱)

مرد را علم، ره دهد به نعیم

مرد را جهل، در برد به جحیم

سنایی غزنویی

جوانی، مناسب ترین زمان دانش جویی است و در این دوران، شرایط آموختن چنان مهیاست که حضرت محمد صلی الله علیه و آله می فرماید: «فراگیری دانش در جوانی، به نقشی ماند که برسنگ رسم شده باشد».(۲)

کسب دانش امری همگانی است و دختران در بهره مندی از این فضیلت، با پسران برابرند. پیامبر می فرمود: «زنان انصار، خوب زنانی هستند؛ شرم مانع دین شناسی آنان نمی شود».(۳)

آن حضرت، فراگیری دانش را برای همه لازم شمرده است و خود در دوران تشکیل حکومت اسلامی، فرهنگ علم آموزی را رواج داد و برای افزودن به دانش پیروان خود، از هیچ فرصتی نمی گذشت. در جنگ بدر که شماری از دشمنان به اسارت مسلمانان درآمدند، برای آزادی خود باید هر کدام چهار هزار درهم یا دینار یا کمتر می پرداختند. پیامبر با استفاده از این موقعیت فرمود: «هر کس مالی ندارد، باید به فرزندان انصار سواد بیاموزد تا آزاد شود».(۴)

اهمیت این فرهنگ را می توان در پاسخ رسول خدا صلی الله علیه و آله به پرسش یکی از انصار

۱- «مَنْ کانَ فِی طَلَبِ الْعِلْمِ، کَانَتِ الْجَنَّةُ فِی طَلَبِه». کنزالعمال، ح ۲۸۸۴۲.
۲- «مَنْ تَعَلَّم فِی شَبابِهِ کَانَ بِمَنْزلَهِ الرَّسْمِ فِی الْحَجَرِ». بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۲۲.
۳- محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ هـ . ق، ج ۱، ص ۲۴.
۴- ابن سعد، طبقات الکبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ هـ . ق، ج ۲، ص ۲۲.

یافت. او نزد آن حضرت آمد و پرسید: یا رسول اللّه! اگر جنازه مسلمانی در میان باشد که باید تشییع و دفن شود و مجلس علمی هم بر پا باشد که شرکت در آن سودمند خواهد بود، در شرایطی که فرصت شرکت در هر دو برنامه نیست و با شرکت در یکی، از دیگری محروم می مانیم، شما سفارش می کنید من در کدام یک شرکت کنم؟

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

اگر افراد دیگری هستند که همراه جنازه بروند و آن را دفن کنند، در مجلس علم شرکت کن؛ که شرکت در یک مجلس علم، از حضور در هزار تشییع جنازه و از هزار عیادت بیمار و از هزار شب عبادت و هزار روز روزه و هزار درهم صدقه و هزار حج غیرواجب و هزار جهاد غیرواجب بهتر است. اینها کجا و حضور در محضر دانشمند کجا؟ مگر نمی دانی با علم است که خداوند، اطاعت و عبادت می شود. خیر دنیا و آخرت با علم آمیخته است، همان گونه که شر دنیا و آخرت با جهل.(۱)

امیرمؤمنان، علی علیه السلام در مقام جوان الگو در عصر رسالت، از روحیه جست وجوگری و پرسش گری خود چنین می گوید:

همه یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله این گونه نبودند که از او چیزی بپرسند و معنای آن را از او بخواهند، چنان که دوست داشتند عربی بیابانی از راه برسد و مطلبی از رسول خدا صلی الله علیه و آله بپرسد و آنان بشنوند، ولی من درباره همه چیز، از او می پرسیدم و به خاطر می سپردم.(۲)

او که دروازه شهر علم پیامبر بود، چهار اصل را عامل موفقیت در تحصیل می شمارد:

۱. رنگ خدایی بخشیدن به دانش خود: «لغزش دانشمند همچون شکستن کشتی، زیان بار و فاجعه آفرین است».(۳)

۱- بحارالانوار، ج۱، ص ۲۰۴ ؛ مرتضی مطهری، داستان راستان، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۲۱۵.
۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۱۰.
۳- غرر الحکم و دررالکلم، ح ۲۳۳.

۲. دقت و تلاش و خستگی ناپذیر بودن در آموختن علم: «کسی که در خواندن و آموختن پی گیر نباشد، از فهم دانش بی بهره ماند».(۱)

۳. احترام به آموزگار، این باغبان سخت کوش باغ دانش: «در برابر کسی که از او دانش می آموزید، فروتن باشید».(۲)

۴. دوری کردن از آفت های دانش: «زنهار که دانش را برای چهار کار بیاموزید: فخرفروشی به دانشمندان؛ جدال با نادانان؛ خودنمایی در مجالس؛ یا جلب توجه مردم به خود برای ریاست کردن بر آنها».(۳)

بر پیمانه دانش خود بیفزایید و نگران سرریز شدن آن نباشید. همانا هر ظرفی که آن را با چیزی پر کنید، گنجایش خود را از دست می دهد، مگر ظرف دانش که با افزودن بر آن گنجایشش بیشتر می شود.(۴)

به فرموده جانشین پیامبر، بهترین مطالبی که شایسته است جوانان فرا گیرند، مطالبی است که در بزرگ سالی بدان ها نیاز دارند. پس می توانند در زندگی اجتماعی، از آموخته های دوران جوانی خود استفاده کنند.(۵)

علم، بال است مرغِ جانت را

بر سپهر او برد روانت را

علم، دل را به جای جان باشد

۱- غرر الحکم و دررالکلم، ح ۲۷۴.

۲- بحارالانوار، ج۲، ص ۴.

۳- تحف العقول، ص ۷۴.

۴- نهج البلاغه، حکمت ۲۰۵.

۵- شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۳۳.

سر بی علم، بدگمان باشد

علم، نور است و جهل، تاریکی

علم، راهت برد به تاریکی

اوحدی

۳. از بی کاری بگریزید

۳. از بی کاری بگریزید

جوانی، با کار و تلاش معنا می یابد. با بی ارادگی، تنبلی و حسرت خوردن، توان خود را هدر ندهید که نتایج زیان باری دارد:

ـ از سستی و تنبلی، نابودی زاده می شود.(۱)

ـ آن که پیوسته تنبلی می کند، در رسیدن به آرزویش ناکام خواهد ماند.(۲)

ـ بی کاری و تنبلی، نوعی مرگ زودرس است و آفت هایی چون افسردگی، دل سردی، تباهی و نیازمندی را در پی خواهد داشت.

ـ تنبلی، هویت جوان بی کار را به خطر می اندازد و اندیشه و فکر او را میدان تاخت و تاز شیطان می سازد.

۱- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۴۲.

۲- غرر الحکم و دررالکلم، ح ۲۸۰۲.

دوست دارد یار این آشفتگی

کوشش بیهوده بِهْ از خفتگی

آنکِ او شاهست او بی کار نیست

ناله از وی طرفه کو بیمار نیست

بهر این فرمود رحمان ای پسر

کل یوم هو فی شأن ای پسر

اندرین ره، می تراش و می خراش

تا دم آخر دمی، فارغ مباش(۱)

رسول گرامی اسلام از بی کاری بیزار بود و می فرمود: «خدایا! از بی حالی و بی نشاطی، از سستی و تنبلی و از درماندگی و زبونی، به تو پناه می برم».(۲)

آن حضرت، مسلمانان را به کار تشویق می کرد و می فرمود: «عبادت، هفتاد جزء دارد و بهترین جزء آن، به دست آوردن [روزی]حلال است».(۳)

جوانی که به جای کار و تلاش، پیوسته در پی بی کاری و کاهلی است، نزد خدا نیز جایگاهی ندارد، چنان که در روایتی آمده است: «اِنَّ اللّه -یُبْغِضُ الشّابَ الفارِغَ؛ خداوند جوان بی کار را دوست ندارد».(۴)

انسان بی کار در مقایسه با کسی که به کاری سرگرم است، آسایش و استراحت کمتری دارد؛ اگر باور ندارید بیازمایید.

۱- مثنوی معنوی، دفتر ۱، بیت ۱۸۲۹.

۲- مجموعه آثار، ج۲، وحی و نبوت، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۳، ص۲۵۲.

۳- مجموعه آثار، ج۲، وحی و نبوت، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۳، ص۲۵۲.

۴- سفینه البحار، ج۲، ص۶۲۴.

روزی پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله یکی از یاران خود را دیـد و از حال و احوال او جویا شـد. وقتی از شـغل او پرسـید و او پاسخ داد: بی کارم! حضرت فرمود: «سَقَطَ مِن عَینی؛ از چشم من افتاد».(۱)

گفت پیغمبر که بر رزق ای فتی

در فرو بسته است و بر در قفل ها

جنبش و آمد شد ما و اکتساب

هست مفتاحی بر آن قفل وحجاب

بی کلید این در گشادن، راه نیست

بی طلب، نان سنت اللّه نیست(۲)

نگاه رسول اکرم صـلی الله علیه و آله به جوانان پرتلاش، نگاهی سرشار از محبت بود و همواره جایگاه آنان را والا می خواند. روزی آن حضـرت، جوان توانا و نیرومندی را دید که از آغاز صـبح به کار و کوشـش مشغول شده بود. کسانی که در محضر پیامبر بودنـد، سـخن به کنایه گشودنـد و گفتنـد: این جوان اگر نیرو و توان خود را در راه خدا به کار می برد، شایسـته مدح و ستایش بود!

رسول خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ این سخن اصحاب فرمود:

چنین سـخن نگوییـد. این جوان اگر برای تأمین معاش خود کار می کنـد تا در زندگی محتاج دیگران نباشد و از مردم بی نیاز شود، با این عمل در راه خدا قدم برمی دارد. همچنین، اگر برای تأمین نیاز والدین ناتوان یا کودکان ضـعیف کار می کند تا از مردم بی نیازشـان سازد، باز هم به راه خـدا می رود، ولی اگر کار می کنـد تا با درآمـد خود، بر تهی دسـتان فخر فروشـد و بر ثروت و

۱- سبزواری، جامع الاخبار، ص ۳۹۰.

۲- مثنوی معنوی، دفتر ۵، بیت ۲۳۸۵.

دارایی خود بیفزاید، به راه شیطان رفته و از راه حق منحرف شده است.(۱)

پیامبر، همگان را به کار فرا می خوانـد و بر ارتباط میان اسـتعداد فرد با نوع کار تأکیـد می کرد و می فرمود: «اِعْمَلُوا فَکُلٌّ مُیَسَّرٍ لِما خُلِقَ لَهُ؛ همگی کـار کنیـد، ولی متوجه باشـید که هرکس برای کـاری آفریـده شـده است که آن را به آسـانی انجـام می دهد».(۲)

همچنان که سهل شد ما را حَضَر

سهل شد هم قوم دیگر را سَفَر

آن چنان که عاشقی بر سروری

عاشق است آن خواجه بر آهنگری

هرکسی را بهر کاری ساختند

میل آن را در دلش انداختند(۳)

۴. پیوسته بانشاط باشید

۴. پیوسته بانشاط باشید

تمـام وقت خـود را در زنـدگی صـرف کـار نکنیـد. دادن فرصت هـای تفریـح به خـود، بسـیار مهم است؛ زیرا در این صورت، سرحال تر و بانشاط تر به کار اصلی خود باز می گردید.

روح شـاد و امیـدوار، بـه زنـدگی لبخنـد می زنـد و روزگـار را سـبز و خرم می کنـد، اسـباب سـعادت را فراهم می سـازد و به اطرافیان، شادی و نشاط هـدیه می دهـد. در حقیقت، با شادمانی و نشاط می توان ویژگی هایی را پروراند که زندگی را مفرح و لذت بخش

۱- فیض کاشانی، محجه البیضاء، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، منشورات جماعه المدرسین، ۱۴۰۳ هـ . ق، ج۳، ص ۱۴۰.

۲- سفینه البحار، ج۲، ص ۷۳۲.

۳- مثنوی معنوی، دفتر۳، بیت ۱۶۱۷.

می سازند، چنان که در روایتی آمده است: «خوش حالی، مایه انبساط روان و امری نشاط برانگیز است».(۱)

به خوش رویی و خوش خویی در ایام

همی رو، تا شوی خوش دل در انجام

اگر خوش دل شوی در شادمانی

بماند شادمانی، جاودانی

ناصر خسرو

قیس بن سعد، از یاران جوان پیامبر، پس از توصیف خوش رویی رسول خدا صلی الله علیه و آله می گوید: «به خدا سوگند، آن حضرت با آن خوش رویی و لبخند، هیبتش از همه بیشتر بود».(۲)

در فرهنگ دینی، بخشی از زندگی به امور عبادی، بخشی به کار و تلاش و بخشی نیز به استفاده از لذت های مشروع و حلال اختصاص یافته است. نشاط و سرور برخاسته از این لذت ها، کمکی به اجرای دیگر برنامه هاست؛ زیرا بدن و روان خسته را ترمیم و نیرو و تلاش او را چند برابر می سازد.(۳)

به شادی دار دل را تا توانی

که افزاید ز شادی زندگانی

چو روز ما همی بر ما نپاید

درو بیهوده غم خوردن، چه باید

فخرالدین اسعد گرگانی

۱- بحارالانوار، ج۷۵، ص۱۲.

۲- عباس قمی، منتهی الامال، قم، انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ هـ . ق، ج۱، ص۱۵۱.

۳- نهج البلاغه، کلمات قصار، ۳۹۰.

«شاد زیستن»، زیباترین پاسخ دین به «چگونه زیستن» است؛ پاسخی برای شما جوانانی که در پی یافتن نگاه دین به شادی هستید و راهی برای زندگی هدفمند می جویید و از پوچی و بی حالی که از شاخصه های وابستگی به دنیا است، گریزانید.

پیامبر اسلام، دینی سرشار از شادی و حلاوت آورد، ولی این دین، شادی بی حد و مرز را به ویژه برای نسل جوان نمی پسندد؛ زیرا چنین شادی با سبک سری، بی قیدی و توهین همراه است. دین اسلام ورای توصیه به بهره گیری از شادی های حلال، جوانان را به شناخت و انس با شادی های عمیق معنوی و تعالی بخش و آمیخته با زیبایی های ماندگار فرا می خواند و دریچه ای نو از نشاط را به روی آنها می گشاید.

جوان دین دار می کوشد از وابستگی خود به مظاهر دنیا بکاهد و در مسائل زودگذر غرق نشود؛ زیرا می داند هرچه وابستگی اش به لذت های آنی افزایش یابد، افسردگی و اندوه بیشتری را باید تحمل کند. مراد از شادی زودگذر، آن شادی است که از بی نیازی و زهد سرچشمه نمی گیرد، بلکه به سبب هیجان های منفی و عواملی همچون مواد مخدر، مشروبات الکلی و فعالیت های زیان بار پدید می آید. این گونه شادی ها، وابسته به اسباب و وسایل است و تا اسباب آن فراهم نباشد، به دست نمی آید. نشاط و سرور، میوه عقل است. فرصت های پاک شادمانی را نباید به هوس آلوده کرد.

چنان که می دانید، جوان برای آرامش روح و روان و داشتن دوران جوانی فرح بخش، به تفریح سالم و شادی نیاز دارد، تا در برابر هجوم رهزنان دل و رواج دهندگان ناهنجاری، از او محافظت کنند و او را به ساحل امن برسانند. امنیت دوران جوانی در گرو آن شادمانی است که به فضیلت های انسانی آراسته و از هر پلیدی و زشتی، پیراسته باشد. بر اثر و بی توجهی در این امر، زلالی و صفای جوان، گرفتار کج روی ها می شود که در نتیجه آن، تمام زندگی اش را خواهد باخت.

۵. ورزش کنید

۵. ورزش کنید

به ورزش اهمیت دهید؛ زیرا سلامت جسم، نشاط روان، حفظ شادابی و طراوت

جوانی و همچنین، بازیابی نیروی جسمی با ورزش تحقق می یابد. ورزش، از سرگرمی های سالم و نشاط آور است.

برخی ورزش ها مانند کشتی، تقویت کننده روحیه جوان مردی، شجاعت، حق طلبی و ستم ستیزی در جوان است. ورزش هایی چون شنا و تیراندازی و سوارکاری نیز بر مقاومت جسم و روح در برابر شرایط سخت زندگی و آسیب های اجتماعی می افزاید و جوان را سالم و بدنش را برای رزم و دفاع چابک و قوی می سازد.

رسول گرامی اسلام، نیرومند ساختن بدن را سبب خوش بختی می داند(۱) و ورزش های یاد شده را می ستاید، چنان که در سخنانی می فرماید:

- «به تیراندازی پای بند باشید؛ زیرا از بهترین سرگرمی های شما است».(۲)

ـ «سرگرمی در چند چیز است: تربیت اسب و تیراندازی...».(۳)

ـ «محبوب ترین سرگرمی در نزد خداوند متعال، سوارکاری و تیراندازی است».(۴)

ـ «به فرزندان خود، تیراندازی و شنا بیاموزید».(۵)

پیامبر خدا، پیش از شروع جنگ احد، پسران کمتر از ۱۵ سال را به مدینه باز گرداند. حتی به سَمُره بن جندب و رافع بن خدیج نیز با آنکه پانزده ساله بودند، دستور بازگشت داد. ولی هنگامی که شنید رافع تیرانداز خوبی است و سَمُره نیز در کشتی با رافع، می تواند او را بر زمین بزند، به هر دو اجازه شرکت در نبرد را داد.(۶)

حضرت محمد صلی الله علیه و آله به منظور تقویت روحیه جوان مردی و غیرت در جوانان،

۱- بحارالانوار، ج۱۵، ص۲۳۶.

۲- «عَلَیْکُمْ بِالرمی، فَاِنَّهُ مِنْ خَیْرِ لَهْوٍ لَکُمْ». پیام پیامبر، ص۷۹۳.

۳- «اَللَّهْوُ فِی ثَلاثٍ؛ تَأدیبُ فَرَسِکَ وَ رَمْیِکَ بِقَوْسِکَ». پیام پیامبر، ص۸۱۸ .

۴- ۴.«اَحَبُ اللَّهْوِ اِلَی اللّه ِ تَعالی اَجْزاءُ الْخَیلِ وَ الرمی». پیام پیامبر، ص۶۷۴ .

۵- «عَلِّمُوا اَوْلادَکُمْ السِّباحَهَ وَ الرِّمایَهَ». وسائل الشیعه، ج۱۷، ص۱۳۳۱.

۶- محمد ابراهیم آیتی، تاریخ پیامبر اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹، ص۳۱۲.

مسابقه هایی برپا می کرد. از جمله هنگام بازگشت سپاه اسلام از نبرد تبوک، مسابقه سوارکاری ترتیب داد و شتر خود را در اختیار اسامه گذاشت. اسامه بن زید سوار بر «غضباء»، شتر معروف پیامبر، از همه پیشی گرفت. مردم به دلیل اینکه شتر برای پیامبر بود، فریاد می زدند رسول خدا برنده شد. ولی حضرت محمد صلی الله علیه و آله با صدای بلند فرمود: «اسامه پیشی گرفت و برنده شد».(۱) یعنی سوارکار مهم است نه مرکب!

پیامبر خدا به قهرمان پروری مثبت در زمینه اخلاقی و روحی اهمیت می داد و هنگام داوری در مسابقه ها، یاران خود را به قهرمانی در میدان فضیلت ها تشویق می کرد. نوشته اند روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله از محله ای در شهر مدینه می گذشت که در آن گروهی از جوانان سرگرم زورآزمایی بودند؛ به این ترتیب که سنگ بزرگی را بلند می کردند تا معلوم شود چه کسی بهتر می تواند آن را بلند کند. این مسابقه به داور نیاز داشت. جوانان با دیدن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفتند: داوری بهتر از پیامبر نیست. یا رسول اللّه! شما اینجا بایستید و داوری کنید که کدام یک از ما بهتر وزنه را بلند می کند. پیامبر پذیرفت و در پایان مسابقه فرمود:

می خواهید بگویم قوی ترین و نیرومندترین شما کیست؟

از همه نیرومندتر، کسی است که هنگام عصبانیت، خشم بر او چیره نشود، بلکه او بر خشمش چیره شود و خشمش او را در راهی، خلاف رضای خدا قرار ندهد و بتواند بر خشم خود مسلط شود. آن گاه که از چیزی خوشش آید، آن خوش آمدن او را از رضای خدا غافل نسازد و بتواند رضا و میل و رغبت خویش را کنترل کند.(۲)

در رهی می گذشت پیغمبر

با گروهی ز دوستان همبر

۱- سفینه البحار، ج۱، ص۵۹۶.

۲- مرتضی مطهری، گفتارهای معنوی، تهران، انتشارات صدرا، ص۲۲۰.

دید قومی گرفته تیشه به دست

گرد سنگی بزرگ، کرده نشست

گفت: کین دست و پا خراشیدن

چیست این سنگ را تراشیدن

قوم گفتند: ما جوانانیم

زورمندان و پهلوانانیم

چون به زورآوری کنیم آهنگ

هست میزان زور ما این سنگ

گفت: گویم که پهلوانی چیست؟

مرد دعویِ پهلوانی کیست؟

پهلوان آن بُوَد که گاه نبرد

خشم را زیر پا تواند کرد

خشم اگر کوه سهمگین باشد

پیش او پشت بر زمین باشد

جامی

۶. سفر کنید

۶. سفر کنید

سیر و سفر، راهی است برای کسب تجربه و معرفت و زدودن سستی و رخوت که حس کنجکاوی جوانان را ارضا و روح جست وجوگری و عبرت آموزی را در آنان اقناع می سازد. به این سفارش پیامبر توجه کنید: «سفر کنید؛ چون اگر در سفر، سود مالی

عایدتان نشود، از بهره های عقلی آن برخوردار خواهید شد».(۱)

تا به دکان و خانه در گردی

هر گز ای خام! آدمی نشوی

برو اندر جهان، تفرج کن

پیش از آن روز، کز جهان بروی

سعدی

سرزنـدگی و شـادابی جوان، بـا خروج از تنگنـای محیـط زنـدگی و بهره منـدی از امکانـات و نعمت های خـدادادی و انس با طبیعت سـرسبز و سـرشار از زیبـایی و طراوت، تأمین می شود، آنچنان که رسول خـدا صـلی الله علیه و آله می فرمایـد: «سافِرُوا تَصِحّوا؛ سفر کنید تا سلامت باشید».(۲)

انگیزه های سفر در روایتی چنین آمده است:

سزاوار نیسـت انسـان بـه سـفر برود، مگر برای سه چیز: یـا برای تجـارت و کسب درآمـد و تـأمین زنـدگی؛ یـا برای رسـیدن به کمالات معنوی و تعالی روح؛ یا برای تفریح و گردش و بهره مندی از لذت های حلال.(۳)

شادمانه سوی صحرا راندند

سافِرُوا کی تَغْنَمُوا برخواندند(۴)

۱- «سافِرُوا، فَاِنَّکُمْ اِنْ لَمْ تَغْنِموا مالاً أَفَدْتُمْ عَقلًا». مکارم الاخلاق، ج۱، ص۵۱۳.

۲- مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۵۱۳.

۳- مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۵۱۳.

۴- مثنوی معنوی، دفتر۳، بیت ۵۳۳.

پیامبر خدا، جوانان را به سفر گروهی تشویق می کرد و می فرمود: «اَلرَّفیقُ ثُمَّ الطَّریق؛ اول رفیق راه، سپس سفر کردن».(۱)

همچنین می فرماید: «هرگاه سه نفر به سفر رفتند، باید یکی از خود را به امیری برگزینند».(۲)

از شرایط لازم برای سفر، داشتن حسن تفاهم و تعامل با هم نوعان، سازگاری با اطرافیان و هم زیستی و الفت با دوستان را می توان نام برد. آداب سفر از نگاه پیامبر، بذل و بخشش توشه، خوش اخلاقی و شوخی کردن در چارچوب های اخلاقی است.(۳)

همکاری و تقسیم کار در سفر، بر شیرینی آن و صمیمیت هم سفران می افزاید. پیامبر در سفری با دوستان خود، برای تهیه غذا، دستور کشتن گوسفندی را داد. یکی از یاران، ذبح گوسفند را پذیرفت، شخصی دیگر سلاخی اش را بر عهده گرفت، دیگری آن را تقسیم کرد و فرد دیگر گوشت ها را پخت. پیامبر نیز به جمع آوری هیزم برای برافروختن آتش پرداخت. یاران گفتند: ای رسول اللّه ! تو را به جان پدر و مادرمان سوگند، خود را به زحمت مینداز، ما تو را کفایت می کنیم. پیامبر فرمود: «می دانم شما همه کارها را به خوبی انجام می دهید، ولی خداوند از بنده ای که از هم سفران خود کناره گیرد، ناخرسند است».(۴)

به درسی دیگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله توجه کنید:

قافله ساعت ها راه پیموده و آثار خستگی در چهره سواران و مرکب ها ظاهر شده بود. سرانجام، به منزلی رسیدند که آبی داشت و فرود آمدند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز شتر خویش را خوابانید و پیاده شد . همه در فکر بودند که پیش از هر کاری، خود را به آب برسانند و مقدمات نماز را فراهم سازند.

۱- بحارالانوار، ج۷۳، ص۲۲۱.

۲- «اِذا کَانَ ثَلاثَهٌ فِی سَفَرٍ، فَلْیُؤمُوا اَحَدَهُمْ». کنزالعمال، ح ۱۷۵۵۰.

۳- «اَمَّا الَّتِی فِی السَّفِر، فَبَذل الزّاد، وَ حُسْنُ الْخُلْق، وَ الْمزاح فِی غَیْرِ الْمَعاصی». بحارالانوار، ج۷۶، ص۲۶۶.

۴- بحارالانوار، ج۷۶، ص۲۷۳.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز به سوی آب روانه شد، ولی بعد از آنکه مقداری رفت، بدون آنکه با کسی سخنی بگوید، به سوی مرکب خویش بازگشت. اصحاب، حیران و نگران با خود می گفتند: آیا اینجا را برای فرود آمدن نپسندیده است و می خواهد فرمان حرکت بدهد؟ چشم ها خیره به او و گوش ها منتظر شنیدن فرمانش بود. تعجب جمعیت هنگامی زیاد شد که دیدند آن حضرت خود را به شترش رساند و زانوبند را برداشت و زانوهای شتر را بست. آن گاه دوباره به سوی آب باز آمد. از هر طرف بانگی بلند شد: ای رسول خدا! چرا به ما نگفتی تا این کار را برایت بکنیم و به خودت زحمت دادی و برگشتی؟ ما که با کمال افتخار برای انجام این خدمت آماده بودیم! آن حضرت در پاسخ آنها فرمود:

هرگز در کارهای خود از دیگران کمک نخواهید و به دیگران تکیه نکنید، گرچه برای یک قطعه چوب مسواک باشد.(۱)

۱- داستان راستان، ج ۱، ص ۸.

۵ روشنا ـ زیبایی

اشاره

۵ روشنا ـ زیبایی

زیر فصل ها

۱. آراسته باشید

اشاره

۱. آراسته باشید

نیاز به آراستگی، با دوران جوانی ارتباط مستقیم دارد و اهمیت ندادن منطقی به آن نگران کننده است؛ زیرا تجربه نشان داده است جوانانی که به آراستگی خود اهمیت نمی دهند، در معرض انواع بیماری های روحی و روانی مانند افسردگی قرار دارند و افزون بر آن، خطرهای اجتماعی و کج روی ها، آنان را بیشتر تهدید می کند.

اسلام نه تنها با آراستگی و زیبایی مخالفتی ندارد، همگان را به آن تشویق می کند. پیامبر اسلام نیز پاکیزگی، آراستگی، بوی خوش و لبخند را از نشانه های ایمان می دانست.

شایسته آن است که آدمی، آراستگی برون را با زیبایی درون گره زند. هم درون را باید آراست و از آلودگی ها پیراست و هم به زیبایی ظاهر باید پرداخت؛ زیرا ظاهر، آینه باطن است و زیبایی تنها به ظاهر زیبا و فریبا محدود نمی شود.

آراستگی، نماد قدرشناسی شما از خالقی است که زیبا خلقتان کرده است. اگر به فیزیک اندام و چهره خود دقت کنید، چینشی بجا و منظم و آفرینشی زیبا و پیراسته از عیب و نقص را می بینید. خداوند دوست دارد تأثیر این نعمت زیبا را در زندگی شما بنگرد.

رسیدگی به موی سر و صورت، مراقبت از پوست، عطر زدن، مسواک زدن، کوتاه

کردن ناخن و پوشیدن لباس تمیز، از جلوه های آراستگی است که در کاستن غم و اندوه و تداوم بخشیدن به شادابی مؤثر است.

به این چند نشانه آراستگی توجه کنید:

الف) پوشیدن لباس مرتب و تمیز

خوش لباسی، هواداران بسیاری دارد و جوانان در آراستگی ظاهر، بیشتر به نوع لباس خود اهمیت می دهند که اخلاقی پسندیده و نیکو است.

تن پوش پیامبر همگون لباس های معمول مردم همان دوره بود. هر نوع لباسی را که در دست رسش قرار می گرفت، می پوشید.(۱) لباس خود را به راحتی انتخاب می کرد. سخت گیر و مشکل پسند نبود. البته سادگی او به معنای بی انضباطی نبود، بلکه در پوشیدن لباس نظم خاصی را رعایت می کرد.

آن حضرت می فرمود: «لباس خود را پاکیزه نگاه دارید که جامه پاکیزه غم و اندوه را می زداید.»(۲) خداوند، خطاب به پیامبرش ــ مراد همه مسلمانان بودند ــ فرمود: «وَ ثِیابَکَ فَطَهِّرْ؛ و لباس خویشتن را پاک کن». (مدثر: ۴)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پوشیدن لباس سفیدرنگ را سفارش می فرمود؛ زیرا سبب آرامش و پاکیزگی است. رنگ های زرد و سبز نیز از رنگ های برگزیده است.(۳)

ب) آرایش سر و صورت

پیراستن و آراستن موهای سر و صورت و تمیز نگاه داشتن و مرتب کردن آنها، شما را آراسته تر می کند. پیامبر می فرمود: «موی خوب، از پوشش های الهی است که پروردگار به انسان ارزانی داشته است. پس آن را عزیز بدارید».(۴) اگر دوست ندارید موی سر خود

۱- سنن النبی، ص ۶۹ .

۲- اصول کافی، ج۶، ص ۴۴۴.

۳- اصول کافی، ج ۳، ص ۳۴۲.

۴- دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۲۵.

را کوتاه کنید، حداقل آن را مرتب و تمیز نگه دارید. شانه کردن مو، آسان ترین روش آراستگی است. به فرموده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، هر کس موی سر را کوتاه نمی کند، باید آن را به شانه کردن عادت دهد. در غیر این صورت، آن را بتراشد.(۱) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بیشتر وقت ها به اندازه چهار انگشت، مو باقی می گذاشت.(۲)

برای اصلاح صورت، ریش و سبیل را مرتب و کوتاه کنید و آن را آن قدر رها نسازید که زیاد بلند شود. فراموش نکنید به هنگام هر نماز، برای آراسته بودن در پیشگاه خداوند، موی سر و محاسن خود را شانه کنید.(۳)

ج) عطر زدن

استفاده از بوی خوش و خوش بو کردن خود، از اخلاق پیامبران است.(۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله معتقد بود در استفاده از بوی خوش اسراف نیست. هزینه ایشان برای تهیه بوی خوش، بیش از هزینه تهیه غذایش بود. آن حضرت مشکدانی خوش بو داشت که هنگام وضو گرفتن، با دستِ تر از آن مشک برمی داشت و چون از خانه بیرون می آمد، همه از آن عطر درمی یافتند که حضرت تشریف می آورند.(۵)

۱- اصول کافی، ج ۶، ص ۴۸۵.

۲- فرق گذاشتن برای موی بلند، نوعی آراستگی است، ولی نمی توان آن را به روش پیامبر مستند ساخت. از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله موی سر را می شکافتند؟ حضرت فرمود: «خیر! زیرا موی سر آن حضرت وقتی که بلند می شد، تا نرمه گوش ایشان می رسید.» در روایتی دیگر نقل شده است که به حضرت گفته شد سنّیان معتقدند حضرت رسول صلی الله علیه و آله موی خود را از فرق می گشود! حضرت فرمود: از سنت است؟ آن حضرت فرق نمی گشود و هیچ یک از پیامبران نمی گذاشتند که مو بلند شود تا بتوان [آن را] فرق کرد». محمدتقی مجلسی، لوامع صاحبقرانی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۴ هـ . ق، ج ۲، ص ۹۲.

۳- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۶۹.

۴- اصول کافی، ج ۶، ص ۵۱۱.

۵- لوامع صاحبقرانی، ج ۲، ص ۹۷.

۲. پوشش پسرانه

۲. پوشش پسرانه

لباس، دست کم سه نیاز آدمی را برآورده می سازد:

الف) محافظت در برابر سرما و گرما؛

ب) حفظ عفت و شرم؛

ج) آراستگی و زیبایی.

به این دو آیه از کلام خدا که پیامبر برای مسلمانان به ارمغان آورده است، دقت کنید:

ای فرزندان آدم! برای شما لباسی فرو فرستادیم [و زمینه تهیه آن را فراهم کردیم]، که عورت شما را می پوشاند و جامه زیبایی و زینت است. (اعراف: ۲۶)

برای شما جامه هایی آفرید که شما را از گرما و سرما نگاه می دارد و جامه هایی (زره هایی) که شما را از ضربت دشمن حفظ می کند. بدین گونه نعمت خود را بر شما تمام می کند تا مگر (به فرمانش) گردن نهید. (نحل: ۸۱)

در انتخاب لباس، در کنار توجه به آراستگی، زیبایی، تمیزی و مناسب بودن آن، به نوع و کیفیتش نیز باید دقت کرد؛ زیرا نوع لباس پوشیدن هر کس شخصیت وی را آشکار می سازد و در شکل گیری شخصیت او مؤثر است.

درباره پوشش پسرانه، به سه نکته می توان اشاره کرد:

یک ـ لباس هایی را که نماد و تبلیغ فرهنگ بیگانه و خرده فرهنگ های انحرافی است، نپوشید. وصی پیامبر می فرمود: «حالِ این امت تا زمانی که لباس بیگانگان را نپوشند، همواره نیکو خواهد بود.»(۱) از این سخن، چنین برمی آید که از پوشیدن لباس اختصاصی دشمنان باید پرهیز کرد و هم شکلی با آنان ناپسند است. ولی پوشیدن لباس که همه به تن می کنند، منعی ندارد. بنابراین، هم شکلی با بیگانگان در پوشش، تهدیدی برای هویت دینی و ملی جوان است و او را به فرهنگ بیگانه، وابسته و علاقه مند می سازد.

۱- وسایل الشیعه، ج ۵، ص ۲۷.

دو _ از به تن کردن لباس شهرت بپرهیزید. لباس شهرت به پوششی می گویند که خودخواهانه انتخاب شود؛ با این نیت که هیچ کس نظیرش را از نظر جنس پارچه، رنگ، کیفیت دوخت یا حتی مندرس بودن نداشته باشد و توجه همگان را برانگیزد؛ چنین پوششی که جوان به آن مشهور و انگشت نما شود، نشانه خفت دانسته شده است.

سه _ لباس های مختص به جنس مخالف نیز مناسب نیست. برخی جامه ها، ویژه مردان و برخی ویژه زنان است که برای پرهیز از شباهت نباید لباس جنس مخالف را پوشید. وصی پیامبر شخصی را دید که جامه اش را (همچون زنان آن دوره) بر زمین می کشید! پس به او فرمود: «مرا خوش نمی آید که شخصی شبیه زنان باشد».(۱)

۳. پوشش دخترانه

۳. پوشش دخترانه

پیامبر اسلام بر پوشش زن در برابر نامحرم و دوری وی از جلوه گری، خودنمایی و تبرّج اصرار می ورزید.(۲) قرآن، همان گونه که مردان را از چشم چرانی نهی و به پوشاندن بدن از نامحرم امر می کند، به زنان نیز دستور می دهد دیدگان خود را فرو بندند و عفت پیشه کنند. به این دو آیه دقت کنید:

ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمن بگو پوشش های بلند (جلباب) خود را بر خویش فرو افکنند. (احزاب: ۵۹)

به زنان مؤمن بگو: دیدگان خود را فرو بندند و عفت پیشه سازند، دامن خود را از بیگانگان بپوشانند و زیور خویش را جز برای شوهران و سایر محارم آشکار نکنند، مگر آنچه پیدا است. روسری های (خُمُر) خویش را بر گریبان ها اندازند تا سر و گردن و سینه و گوش ها پوشیده باشد و پاهایشان را بر زمین نکوبند تا آنچه از زینت پنهان می کنند، معلوم شود. (نور: ۳۱)

درباره این دو آیه، به چند نکته توجه کنید:

۱- لوامع صاحبقرانی، ج ۲، ص ۹۲.

۲- تبرّج همان خودنمایی زنان در برابر مردان، برای جذب و فتنه انگیزی است.

الف) «جلباب»، پوششی چادرمانند، گشاد و پارچه ای است که با روسری کوچک و خمار تفاوت دارد. جلباب همچون مقنعه ها و روسری های بزرگ، سر و تمام بدن را می پوشانیده است(۱) و خداوند در آیه نخست زنان را به پوشاندن سر و گردن و بدن خود با جلباب امر می کند.

ب) «خُمُر» جمع خمار و به معنای روسری و سرپوش است.(۲) خداوند در آیه دوم، از دختران و زنان مؤمن خواسته است که به وسیله خمار، سینه و گردن (جیب) خود را بپوشانند. طبرسی درباره این آیه می نویسد:

زنان مدینه، دنباله روسری های خود را به پشت سر می انداختند که سینه، گردن و گوش های آنان آشکار می شد. آنها بر اساس این آیه موظف شدند دنباله های روسری خود را بر اطراف گردن اندازند تا این اندام ها نیز پوشیده باشد.(۳) ابن عباس هم در تفسیر این آیه می گوید: «یعنی زن، مو و سینه، دور گردن و زیر گلوی خود را بپوشاند».(۴)

ج) قرآن در تبیین ضرورت پوشش نیز چنین می فرماید: «ذلِکَ أَدْنی أَنْ یُعْرَفْنَ فَلایُؤْذَیْنَ؛ این کار برای اینکه به عفاف شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است». (احزاب: ۵۹)

د) پیامبر به اسما فرمود: «اسما! وقتی زن بالغ شد، شایسته نیست که (دربرابر نامحرم) جز صورت و دست هایش دیده شوند».(۵)

ه) پوشش اسلامی به معنای زندانی کردن یا قرار دادن بانوان در پشت پرده و بازداشتن آنها از مشارکت در فعالیت های اجتماعی نیست، بلکه منظور از پوشش، آن

۱- طوسی، التبیان، نجف، منشورات مکتبه الادیان، بی تا، ج ۸، ص ۳۶۱.

۲- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۶ ه_ . ق، ص ۱۵۹.

۳- مجمع البیان، ج ۷ و ۸، ص ۲۱۷.

۴- مجمع البیان، ج ۷ و ۸، ص ۲۱۷.

۵- ابی داوود سجستانی، سنن ابی داوود، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ه_ . ق، ج ۴، ص ۶۲ .

است که دختران و زنان مؤمن در برخورد و هم صحبتی با مردان، بدن خود را بپوشانند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازند و مشارکتشان در فعالیت ها، بر اصول انسانی و اسلامی استوار باشد.(۱)

در پوشش دختران و زنان، ظرافت و دقتی نهفته است که با شخصیت و تکریم جایگاه آنان پیوند خورده است. پوشش زن در معاشرت با مردان، هم به تأمین بهداشت روانی جامعه کمک می کند و هم از جنبه حفظ کانون خانوادگی اهمیت دارد؛ زیرا اسلام می خواهد انواع لذت های جنسی ــ چه دیداری یا لمسی و هر نوع دیگر ــ به محیط خانوادگی محدود شود و زیر چتر ازدواج قانونی قرار گیرد تا اجتماع، فقط محیطی برای کار و فعالیت باشد و با این سفارش، این دو محیط را کاملاً از یکدیگر جدا می سازد. ازاین رو، می توان حجاب زنان را مناسب ترین آراستگی برشمرد که رعایت آن برای ایشان ضروری است.

۴. حیا، سرچشمه همه زیبایی هاست

۴. حیا، سرچشمه همه زیبایی هاست

در نبود حیا، هر کار زیبایی ترک و هر کار زشتی انجام می شود.(۲) همانا حیا، سرچشمه همه زیبایی هاست.(۳)

پیامبر می فرمود: «اَلْاِسْلامُ عُریانٌ فَلِباسُهُ اَلْحَیاءُ؛ اسلام، عریان است و حیا لباس آن است».(۴)

حیا همان شرم، آزرم، دگرگونی حال و فروتنی و دوری کردن از کار زشت است، به ویژه وقتی انسان احساس کند ناظری او را می بیند. همین آگاهی و نظارت خداوند سبب

۱- مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا، ج ۱۷، ص ۴۰۱.

۲- بحارالانوار، ج ۳، ص ۸۱ .

۳- تحف العقول، ص ۸۴ .

۴- غرر الحکم و دررالکلم، ح ۲۹۹۷.

برانگیخته شدن حیا است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «از آگاهی خداوند بر تمام امورتان، هر لحظه شرم کنید».(۱)

بزرگ ترین سرمایه دختر و زن مسلمان، حیا است که ثمره آن متانت، کنترل شهوت و تضمین عفت او خواهد بود. در برخورد موسی با دختر شعیب نوع واکنش و شیوه راه رفتن دختر شعیب، الگویی مناسب برای همه دختران است. قرآن در وصف صبورا، دختر شعیب، به نمایان بودن حیا و شرم در تمام چهره و اندام او اشاره می کند و این متانت خاص را می ستاید.(۲)

حیا ویژه دختران نیست و پسران نیز موظف به رعایت حیا هستند. شخصی به پیامبر عرض کرد: یا رسول اللّه به من پندی ده. فرمود: «آن چنان از خدا شرم دار که از یکی از صالحان قبیله ات شرم می کنی».(۳)

۵. نگاه خود را کنترل کنید

۵. نگاه خود را کنترل کنید

وقتی از حیا سخن به میان می آید، کنترل نگاه برای پرهیز از آلوده شدن آن به گناه نیز مطرح می شود. قرآن هنگامی که از حیای دختر شعیب یاد می کند، به امانت داری موسای جوان نیز اشاره دارد که در برخورد با صبورا، نگاه خیانت آمیز به وی نکرد.

قرآن به نقل از دختر شعیب، موسی را با عنوان «الامین»(۴) می ستاید؛ یعنی نه حرکتی شهوت آمیز کرد و نه نگاه خیانت بار. طبیعی است این کنترل نگاه و رعایت حیا، هردو در کنار هم بر زیبایی زندگی می افزایند.

باید نگاه حرام را از نگاه حلال، به درستی باز شناخت و از نگاه های حرام پرهیز کرد

۱- بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۳۳۳.

۲- نک: قصص: ۲۵.

۳- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۳۰.

۴- نک: قصص: ۲۶.

که چنین نگاهی، تیری مسموم از تیرهای شیطان معرفی شده است.(۱) خداوند در قرآن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

به مردان باایمان بگو: چشمان خود را از نگاه به نامحرم فرو بندند. به زنان باایمان بگو: چشمان خود را از نگاه هوس آلود فرو بندند. (نور: ۳۰و۳۱)

هر کس چشمانش را آزاد بگذارد، حسرتش زیاد می شود.(۲) باید به ترک عملی که موجب ناخشنودی خداوند است، پای بند بود. چنین کار زیبایی، امکان پذیر است. پیامبر از قول حضرت حق می فرماید:

اگر چشمت بخواهد تو را به گناه و حرام بکشاند، من دو پلک در اختیار تو قرار داده ام. پس آنها را فرو بند.(۳)

پیامبر به کسانی که از او می خواستند راهی نشانشان دهد تا شیرینی عبادت را بچشند، می فرمود:

هر مسلمانی که چشمش به زنی افتد، سپس پلک هایش را بر هم گذارد، یزدان والا او را با عبادتی انس دهد که لذت آن را در قلبش حس کند.(۴)

۱- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۲۹۲.

۲- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۳۸.

۳- اصول کافی، ج ۸، ص ۲۱۹.

۴- جلال الدین سیوطی، جامع الصغیر، بیروت، دارالفکر، بی تا، ج۲، ص ۵۲۳.

۴ روشنا ـ مهر

اشاره

۴ روشنا ــ مهر

زیر فصل ها

۱. بهترین دوست را برگزینید

۱. بهترین دوست را برگزینید

نشاط و شادمانی در گرو داشتن دوست خوب و هم نشینی با اوست. انسان در انس و الفت با دوست، احساس شادی می کند. پیامبر می فرماید: «بنیاد عقل، پس از ایمان به خدا، دوستی با مردم است».(۱)

هر که باشد هم نشین دوستان

هست در گلخن، میان بوستان(۲)

جوان به طور فطری، عاشق دوستی است و بنا به خواهش دل، با یک یا چند تن از هم سالان خود عمیق ترین روابط دوستانه را برقرار می سازد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله، بهترین دوستان را کسانی می داند که آدمی را به یاد خدا و معنویت نزدیک کنند. روزی ابن عباس از پیامبر پرسید: بهترین هم نشین کیست؟ حضرت پاسخ داد:

کسی که دیدنش، شما را به یاد خدا اندازد و سخنش، بر دانش شما بیفزاید و عمل او، شما را به آخرت

۱- احمد بن حسین بیهقی، سنن الکبری، بیروت، دارالمعرفه، بی تا، ج ۱۰، ص ۱۰۹.

۲- مثنوی معنوی، ج۴، بیت ۱۹۷۶.

مشتاق کند.(۱)

آن حضرت درباره ویژگی های نیکوترین دوستان می فرماید:

بهترین دوستان تو کسانی هستند که تو را بر بندگی خدا یاری کنند، از گناه و معصیت دورت سازند و تو را به گام برداشتن در مسیر رضای حق سفارش کنند.(۲)

در نگاه پیامبر، مَثَل هم نشین خوب، مثَل عطرفروش است که اگر از عطرش به تو ندهد، از بوی خوشش به تو می رسد(۳) و بی شک هم نشینی و نظاره رخسار چنین یاران هم دمی، فرح بخش خواهد بود.

گفت حکیمی که مفرّح بود

آب و می و لحن خوش و بوستان

هست، ولیکن نبود نزد عقل

هیچ مفرّح، چو رخ دوستان(۴)

در میان دوستی ها، دوستی ثوبان مثال زدنی است. او غلام آزادشده رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و به حضرت بسیار علاقه داشت، چنان که از دوری اش بی تاب می شد. روزی در حالی که رنگش دگرگون و بدنش لاغر شده بود، خدمت پیامبر آمد. حضرت پرسید: «ثوبان! چرا رنگت دگرگون شده است؟» ثوبان پاسخ داد: یا رسول الله! نه بیمارم و نه دردمند، بلکه هرگاه تو را نمی بینم، شوق دیدارت مرا به آمدن نزد تو برمی انگیزد. پس چون به یاد آخرت می افتم، می ترسم نتوانم تو را ببینم. در آن حال، این آیه نازل شد:

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص۴۱۲.
۲- وسائل الشیعه، ج ۸، ص۴۱۲.
۳- «مَثَلُ الْجَلیسِ مَثَلُ الْعَطّارِ اِنْ لَمْ یَأْتِکَ مِنْ عَطْرِهِ اِصابَکِ مِنْ رِیحِهِ». میزان الحکمه، ج ۷، ص ۲۸۳۹.
۴- مولوی.

کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در شمار کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته است (یعنی) با پیامبران و صدیقان و شهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکو هم دمانی هستند. (نساء: ۶۹)(۱)

عشق، قهار است و من، مقهور عشق

چون قمر، روشن شدم از نور عشق

برگ کاهم در مصاف تندباد

من چه دانم تا کجا خواهم فتاد(۲)

باید دوستی را زلال ساخت و بر استحکام آن افزود. با الهام از سخن پیامبر، به ده اصل تحکیم دوستی اشاره می کنیم:

الف) هر دیداری را با «سلام» آغاز کنید. سلام از اسم های الهی است و دوستی نیز در پرتو اسم و یاد او، خدایی می شود. پیامبر می فرماید: «هرکه را ملاقات کردی، به او سلام کن. خداوند بر حسنات تو می افزاید».(۳)

ب) سلام را با دست دادن همراه سازید. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

هنگامی که کسی از شما دوستش را ببیند، باید به او سلام گوید و با وی دست دهد (مصافحه کند)؛ زیرا خداوند ـ عزوجل ـ فرشتگان را به این کار گرامی داشت. پس عمل فرشتگان را انجام دهید.(۴)

رسول خدا صلی الله علیه و آله در دست دادن پیشی می گرفت و پس از مصافحه، دست خود را نمی کشید تا وقتی طرف مقابل، دست آن حضرت را رها می کرد. یاران هنگامی که متوجه

۱- مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۰.
۲- مثنوی معنوی، دفتر ششم، بیت ۹۰۲.
۳- بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۳.
۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸۱.

این سنّت پیامبر شدند، هنگام دست دادن به آن حضرت، دست خود را می کشیدند تا پیامبر به زحمت نیفتد.(۱)

ج) تبسم و لبخنـد، خاطره انگیزترین و در عین حال، کم خرج ترین ادب دوستی است؛ پس آن را دریغ نکنیـد. تبسم خسـتگی را می زداید و عطر صـفا و صمیمیت را در گلشن دوستی می پراکند. حضرت محمد صلی الله علیه و آله همواره با لبخندی دل نشین بـا دوسـتانش دیـدار می کرد و بـه یـارانش نیز سـفارش می فرمـود: «بـا رویی متبسـم و گشـاده دوست خـود را ملاقـات کنید».(۲)

آن حضرت، چنین خوش رویی را اوج محبت و صفای دوستی می دانست.(۳)

د) از شرایط و مقدمات دوستی، آشنایی با نام و نسب، زادگاه و محل زندگی دوست است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

در هنگام دوستی باید از نام دوست، نام پدر، خاندان و خانه او جویا شد؛ زیرا از لازمه های دوستی است و نشان از صـفای آن دارد.(۴)

ه) دوستی تان را اظهار کنیـد. ابراز محبت نسبت به دوست و اعلام آن، دوستی را اسـتوار و پایدار می سازد. رسول خدا صـلی الله علیه و آله می فرماید:

هر یک از شما که برادرش را دوست دارد، به او اعلام کند؛ زیرا این کار مایه دوام الفت و استواری محبت است.(۵)

و) هنگام صحبت با دوست، او را با بهترین نام هایی بخوانید که خود می پسندد.

۱- وسائل الشیعه، ج۸، ص۳۹۹.

۲- بحارالانوار، ج۷۱، ص ۱۷۱.

۳- «ثَلاثٌ یَصفینَ وَدُّ الْمَرْءِ لِاَخیهِ الْمُسْلِم میقاهُ بِالْبُشْرِ إذا لَقِیَهُ». وسائل الشیعه، ج ۸، ص۴۳۴.

۴- حمیری، قرب الاسناد، ص ۱۶.

۵- صابری، الحکم الزاهره، ترجمه: انصاری، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۳۹۸.

رسول خدا صلی الله علیه و آله رعایت این ادب را سبب ایجاد صفا و جاودانگی دوستی می دانست.(۱)

ز) برای دوستتان به ویژه هنگام درماندگی وی، یار و مددکاری سودمند باشید. همانا لطف دوستی، در گرو خدمت و یاری به دوست، در زمان رو آوردن ناملایمات و سختی هاست. رسول خدا صلی الله علیه و آله، محبوب ترین مردم را نزد خدا سودمندترین آنان معرفی می کرد.

دوست مشمار آن که در نعمت زند

لاف یاری و برادرخواندگی

دوست آن باشد که گیرد دست دوست

در پریشان حالی و درماندگی

سعدی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

اگر کسی درصدد برآوردن نیاز دوستش باشد، خداوند حاجتش را برمی آورد. اگر کسی گرهی از (مشکلات) مسلمانی بگشاید، خداوند به موجب آن، گرهی از گره های روز قیامت را برایش می گشاید.(۲)

دوستان را به گاه سود و زیان

بتوان دید و آزمود توان(۳)

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص۴۳۴.

۲- کنزالعمال، ح۱۶۴۶۳.

۳- سنایی.

ح) خیرخواه دوستتان باشید. صداقت در رفاقت، با تذکر ضعف ها و کاستی های یکدیگر ثابت می شود و دست آورد دوستی صادقانه، تکامل است که با تـذکر و راهنمایی دو دوست تحقق می یابد. رسول اکرم صـلی الله علیه و آله مثَل دو دوست مؤمن را همچـون دو کف دست می دانـد که یکی از آنهـا، دیگری را تمیز می کنـد.(۱) ایشان درباره رابطه دو دوست با یکـدیگر، چنین می فرماید: «لِیَنْصَحَ الرَّجُلُ مِنْکُمْ اَخاهُ کَنَصیحَتِهِ لِنَفْسِهِ؛ انسان باید دوست دینی خود را نصیحت کند، همان گونه که خیر خود را می خواهد».(۲)

دوست آن است که معایب دوست

همچو آیینه، روبه رو گوید

امیرخسرو دهلوی

دوست، آبرو و زینت دوست را آبرو و زینت خود و عیب او را عیب خود می دانـد.(۳) ازاین رو، همواره درصدد اصلاح عیب خود و دوستش خواهد بود. در غیر این صورت، اگر او روش ناپسند دوست خود را اصلاح نکند و با وجود توانایی، او را باز نگرداند، در حق وی خیانت کرده است.(۴)

ط) در همه حـال از احوال دوست خود جویـا شویـد و به دیـدار او برویـد؛ چرا که «دیـدار دوست، بـذر محبت را [در دل]می نشاند».(۵)

سیره و منش رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز بر دل جویی از دوستان استوار بود. آن

۱- «مَثَلُ الْمُؤْمِنِ وَ أَخیهِ کَمَثَلِ الْکَفَّیْنِ تنقی اَحَدُهُما الأُخْری». میزان الحکمه، ج۷، ص۲۸۳۷.

۲- سفینه البحار، ج۲، ص ۵۹۰.

۳- اصول کافی، ج۲، ص۶۳۹ .

۴- سفینه البحار، ج۲، ص ۵۹۰.

۵- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : «الزِیارَهُ تُنْبِتُ المَوَدَّهُ». میزان الحکمه، ج۳، ص۱۱۹۳.

حضرت اگر سه روز دوستان خود را نمی دید، از آنان سراغ می گرفت و دعوتشان می کرد واگر از بیماری آنان آگاه می شد، به عیادتشان می شتافت.(۱) لطف پیامبر گاه شامل دوست داران غیر مسلمانش نیز می شد.

جوانی از یهودیان مدینه، پیامبر اسلام را بسیار دوست می داشت و پیوسته خدمت حضرت می آمد و با ایشان بسیار صمیمی شده بود. بارها بود که حضرت او را در پی کاری می فرستاد و او نیز گاه برای پیامبر نامه می نوشت. چند روزی گذشت و از جوان خبری نشد. حضرت از حال او پرسید. کسی گفت: بیمار است و امروز در حال جان دادن بود؛ اگر تاکنون نمرده باشد! پیامبر برخاست و با جمعی از اصحاب به عیادتش رفت. جوان را دید که زبانش بسته شده است و توان سخن گفتن ندارد. حضرت او را صدا زد. به برکت کلام پیامبر، جوان به سخن آمد و گفت: لبیک یا ابا القاسم! حضرت فرمود: «بگو اشهد ان لااله الاالّله و اشهد ان محمدا رسول اللّه ».

جوان نگاهی به پدر کرد و چیزی نگفت. حضرت بار دوم و سوم سخن خود را تکرار فرمود و جوان نیز هر بار به پدر نگاه می کرد؛ تا آنکه پدر گفت: تو خود می دانی، اگر می خواهی بگو! جوان لب باز کرد و گفت: اشهد ان لااله الا اللّه و انک محمد رسول اللّه . سپس جان سپرد. پیامبر به یاران خود، دستور غسل و کفن جوان را داد و چنین بیان داشت: «سپاس خداوندی را که امروز یک نفر را به وسیله من از آتش نجات بخشید».(۲)

پیامبر گرامی اسلام مرز دیدارهای دوستانه را یک روز در میان مشخص فرموده و این مقدار را سبب افزایش محبت خوانده است؛(۳) زیرا دیدارهای پی درپی، از اشتیاق

۱- بحارالانوار، ج۷۲، ص۱۹۸.

۲- بحارالانوار، ج۶، ص۲۶.

۳- «زُرْ غبّا تزْددْ حُبّا». میزان الحکمه، ج۳، ص۱۱۹۳.

می کاهد و رنجش و خستگی در پی خواهد داشت.(۱)

پس صلؤ یارانِ ره، لازم شمار

هر که باشد، گر پیاده، گر سوار

مولوی

ی) به یکدیگر هدیه دهید. هدیه و بخشش، نهال دوستی را در دل می نشاند(۲) و وسیله ای برای افزایش محبت است.(۳) پیامبر خدا، هدیه را می پذیرفت و در برابر آن، پاداش می داد.(۴) حضرت در این باره می فرماید: «تهادَوْا فَإِنَّها تَذهَبُ بِالْضَّغَائِنِ؛ به همدیگر هدیه دهید که هدیه، کینه ها را از بین می برد».(۵)

۲. برای دوستی، مرزی تعیین کنید

۲. برای دوستی، مرزی تعیین کنید

دوست، آیینه تمام نمای دوست است. بنابراین، در انتخاب آنان دقت کنید و دوستانی پاک و صادق برگزینید. حقیقت این است که انرژی مثبت و منفی و نیروی درونی آدم ها، تا حدی مُسری است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز می فرماید:

شخص به رسم و آیین دوست خود است. پس هر کدام از شما باید بنگرد با چه کسی

۱- بحارالانوار، ج۷۷، ص۲۳۷.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ح۳۰۶.

۳- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : «اَلْهَدِیَّهُ تورِث الْمَوَدَّهِ». بحارالانوار، ج۷۷، ص۱۶۶.

۴- سنن ابی داوود، ج۳، ص۲۷۷، ح۳۵۳۶.

۵- اصول کافی، ج۵، ص۱۴۴.

دوستی می کند.(۱)

تو اول بگو با کیان زیستی

پس آن گه بگویم که تو کیستی

در حقیقت، هم نشینی با دوست، یکی از عوامل مؤثر در پی ریزی صفات اخلاقی و شکل گیری شخصیت آدمی است و در کنار وراثت و تربیت، سهم بسیار زیادی در ساختن خلق و خوی انسان دارد. ازاین رو، «کسی که ناسنجیده با دیگران پیمان دوستی می بندد، به رفاقت افراد فاسد نیز تن در می دهد».(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله، زیباترین ویژگی ها را برای گزینش دوست چنین برمی شمارد:

إِذا رَأَيْتَ مِنْ أَخيکَ ثَلاثَ خِصالٍ فَارجِهِ: اَلْحَياءُ وَ الْأَمانَهُ وَ الصِّدْقُ وَ اِذا لَمْ تَرَهَا فَلاتَرجِه.(۳)

اگر در دوست خود این سه خصلت را دیدی، به او امید داشته باش: حیا؛ امانت و راستی. در غیر این صورت، به او دل مبند.

برای دوستی خود مرزی قرار دهید؛ زیرا «تنهایی، از هم نشین بد بهتر است».(۴)

مسجد است آن دل که جسمش ساجد است

یار بد خرّوب هر جا مسجد است

۱- وسائل الشیعه، ج۸، ص ۴۳۰.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ص۶۹۵ .

۳- کنزالعمال، ح۲۴۷۵۵.

۴- حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالفکر، بی تا، ج ۳، ص ۳۴۴.

یار بد چون رست در تو مهر او

هین ازو بگریز و کم کن گفت وگو

برکن از بیخش که گر سر برزند

مر تو را و مسجدت را برکند(۱)

در انتخاب دوست، اهمیت دقت کردن در گزینش پاکان و دوری از افراد ناشایست به اندازه ای است که دغدغه و نگرانی درباره این امر برای جوان یک کمال و ارزش است.

حریم رفاقت، جایگاه یاران نیکوست و باید مرزهای آن را از ورود نامحرمان پاس داشت؛ دوستان نادان و ناشایستی که سرانجام دیدار و معاشرت با آنان، دوزخ سوزان خواهد بود.

منشین با بدان، که صحبت بد

گرچه پاکی، تو را پلید کند

آفتاب ار چه روشن است، او را

پاره ای ابر، ناپدید کند(۲)

از دوستی با چند گروه باید بر حذر بود:

الف) دروغ گو؛ زیرا او همچون سرابی است که مطالب را برخلاف واقع نشان می دهد، دور را نزدیک و نزدیک را دور جلوه می دهد.

ب) فاسق؛ زیرا دوست خود را به بهای یک لقمه یا کمتر از آن می فروشد.

۱- مثنوی معنوی، دفتر ۴، بیت ۱۳۸۳.

۲- سنایی، دیوان اشعار، ص ۶۱۹ .

ج) قطع کننده رحم؛ زیرا در کتاب آسمانی، لعن و نفرین شده است.(۱)

د) شرور؛ زیرا مانند شمشیر، ظاهری خوب و اثری بد دارد.(۲)

ه) سخن چین؛ زیرا همان گونه که از دیگران نزد دوست سخن چینی می کند، نزد دیگران نیز بر ضد دوست سخن می گوید.

و) خیانت کار؛ زیرا کسی که به خاطر دوستش خیانت کند، روزی نیز به همان دوست خیانت خواهد کرد.(۳)

ز) چاپلوس؛ زیرا با چرب زبانی، دوست خود را فریب می دهد و کار ناروای خود را در نظر او زیبا می نماید و در پی آن است که دوستش نیز همانند او شود.(۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله در ترسیم عمل افراد چاپلوس چنین می فرماید: «در حضور انسان، او را می ستایند و در پشت سرش بد می گویند و آن گاه که انسان گرفتار شود، سرزنشش می کنند».(۵)

ح) گناه کار؛ زیرا نافرمانی خدا را در نظر هم نشین خود می آراید(۶) و وی را با زشتی و ناپاکی می آلاید.(۷)

ط) بدنام؛ کسی که به محله فرد بدنام قدم گذارد و با او آمد و شد کند، متهم خواهد شد.(۸) رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «شایسته ترین مردم به بدنامی، کسانی هستند که با بدنامان

۱- تحف العقول، ص۲۷۹.

۲- بحارالانوار، ج۱۷، ص۲۱۴.

۳- تحف العقول، ص۳۱۶.

۴- غرر الحکم و دررالکلم، ص ۸۱۱ .

۵- تحف العقول، ص۱۶.

۶- بحارالانوار، ج۵، ص۳۲۲.

۷- صدوق، معانی الأخبار، قم، منشورات جماعه المدرسین، ۱۳۶۱، ص۱۹۸.

۸- بحارالانوار، ج۵، ص۳۲۲.

دوست هستند».(۱)

ی) احمق؛ زیرا همچون یک بیمار، مزاحم و رنج آور است.(۲) بزرگ ترین زیان احمق آن است که می خواهد سودی برساند، ولی به دلیل نادانی، آسیب می رساند.

گفت پیغمبر، عداوت از خِرَد

بهتر از مِهری که از جاهل رسد(۳)

۳. فرزند خوبی برای والدین باشید

۳. فرزند خوبی برای والدین باشید

در نیکی کردن به پدر و مادر خود و فروتنی در برابر آنان، کوتاهی نکنید که از مهم ترین تکالیف الهی، احسان به آن دو است. شخصی از پیامبر درباره محبوب ترین کارها در نزد خدا پرسید. آن حضرت، نخست به گزاردن نماز در اول وقت و سپس به نیکی به پدر و مادر اشاره کرد.(۴)

رسول خدا صلی الله علیه و آله، بر نیکی به والدین تأکید می کرد و صرف دو سال را برای انجام چنین کاری، باارزش می دانست: «سِرْ سِنَتَینِ برُّ وَالِدَیک؛ دو سال راه برو و به پدر و مادرت نیکی کن».(۵)

پیامبر اکبرم صلی الله علیه و آله به میزان نیکی به والدین نیز توجه می کرد. این موضوع از این روایت به دست می آید: روزی خواهر رضاعی حضرت محمد صلی الله علیه و آله به نزد آن

۱- مستدرک الوسائل، ج۸، ص۳۳۹.

۲- تحف العقول، ص۱۶.

۳- مثنوی معنوی، دفتر۲، بیت ۱۸۷۹.

۴- بحارالانوار، ج۷۴، ص ۷۰.

۵- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۸۳ .

حضرت آمد. پیامبر از دیدن او شادمان گشت و ملافه خود را گسترد و او را بر آن نشاند. سپس با چهره ای خندان، با وی سخن گفت. پس از مدتی او برخاست و رفت و برادر رضاعی آن حضرت آمد، ولی رسول خدا صلی الله علیه و آله با وی آن گونه رفتار نکرد که با خواهرش کرده بود. به حضورش عرض شد: ای رسول خدا، چرا با خواهرت رفتاری کردی که با برادرت با اینکه مرد است، نکردی؟ فرمود: «چون او نسبت به پدر و مادر خود، نیکوکارتر از برادرش بود».(۱)

به والدینتان نیکی کنید تا فرزندانتان به شما نیکی کنند.(۲) بدانید رحمت خداوند بر شما که به احسان به والدین خو گرفته اید، رحمتی ویژه است: عمر طولانی و روزی زیاد.(۳)

به چند مورد از جلوه های نیکی کردن به والدین و آثار آن توجه فرمایید:

الف) نگاه محبت آمیز به آنان: همانا نظر محبت آمیز به پدر و مادر عبادت است.(۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود:

هر فرزند نیکوکاری که با مهربانی به پدر و مادرش بنگرد، در مقابل هر نگاه، پاداش یک حج کامل پذیرفته به او داده می شود. پرسیدند: حتی اگر روزی صد مرتبه به آنها نگاه کند؟ فرمود: «نَعَمْ، اَللّه ُاَکْبَرُ وَ اَطْیَبُ؛ آری، خداوند بزرگ تر و پاک تر است».(۵)

ب) پیروی والدین: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «بنده ای که مطیع پدر و مادر و پروردگارش باشد، روز قیامت در بالاترین جایگاه است».(۶)

۱- اصول کافی، ج۲، ص ۱۶۱.

۲- کنزالعمال، ح ۴۵۴۷۶.

۳- کنزالعمال، ح ۴۵۵۲۱.

۴- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۸۰ .

۵- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۷۳.

۶- کنزالعمال، ح ۴۵۴۸۰.

ج) به دست آوردن رضایت والدین: از پیامبر روایت شده است که فرمود:

مَنْ اَرْضَی وَالِدَیْهِ فَقَدْ اَرْضَی اللّهَ وَ مَنْ اَسْخَطَ وَالِدَیْهِ فَقَدْ اَسْخَطَ اللّهَ.(۱)

آن که پدر و مادرش را خشنود کند، خدا را خشنود کرده و کسی که پدر و مادر خود را به خشم آورد، خدا را به خشم آورده است.

د) نیکی به آنان برای جلب اسباب آمرزش الهی: نیکی به پدر و مادر سبب آمرزش گناه نیز می شود. مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا، هیچ کار زشتی نمانده که انجام نداده باشم، آیا می توانم توبه کنم؟ پیامبر از او پرسید: «آیا پدر یا مادرت زنده هستند؟» مرد گفت: بله، پدرم. حضرت فرمود: «برو به او نیکی کن تا آمرزیده شوی.» پس از رفتن او، پیامبر فرمود: «کاش مادرش زنده بود؛ زیرا اگر به مادرش نیکی می کرد، زودتر آمرزیده می شد».(۲)

هـ) رعایت حقوق والدین: مردی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسید: حق پدر بر فرزند چیست؟

حضرت فرمود:

۱. او را با نام صدا نکند،

۲. در راه رفتن از او جلو نیفتد،

۳. پیش از او ننشیند،

۴. کاری نکند که مردم به پدرش ناسزا گویند.(۳)

و) فراهم نکردن زمینه عاق والدین: پیامبر به عاق والدین هشدار داده(۴) و فرموده

۱- کنزالعمال، ح ۴۵۴۹۷.
۲- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۸۲ .
۳- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۴۵.
۴- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۶۲ .

است: «کیفر این گناه تا هنگام قیامت به تأخیر نمی افتد و در همین دنیا مجازات می شود».(۱)

ز) توجه بیشتر به مادر، با حفظ جایگاه پدر: شخصی به حضور پیامبر رسید و درباره نیکی به پدر و مادر از آن حضرت پرسید. رسول خدا صلی الله علیه و آله سه مرتبه فرمود: «أبَرَّ اُمَّک، أبَرَّ اُمَّک، أبَرَّ اُمَّک؛ به مادر نیکی کن، به مادر نیکی کن، به مادر نیکی کن.» و سه بار نیز فرمود: «اَبرَر اباکَ؛ به پدرت نیکی کن».

همان گونه که می بینید، پیامبر پیش از آنکه نیکی کردن به پدر را سفارش کند، با تأکید بر نیکی به مادر، آغاز فرمود.(۲)

۴. جایگاه استاد خود را پاس دارید

۴. جایگاه استاد خود را پاس دارید

مجلس دانش، باغ بهشت است و آموزگاران سخت کوش و دل سوز، باغبانان آن هستند. شایسته آن است که جایگاه استاد را پاس داشت و از احترام و فروتنی در حق وی فروگذار نکرد. احترام به دانشمندان، نشانه بهره مندی از عقل است(۳) و پیامبر، آن را به منزله احترام به خود و خدا می خواند(۴) و با تأکید بر رعایت آن، حرمت دانشمندان را هم سنگ حرمت شهیدان و صدیقان می داند: «حُرَمَةُ الْعالِمِ الْعامِلِ بِعِلْمِهِ کَحُرْمَةِ الشُّهَداءِ وَ الصِّدّیقینَ».(۵)

باید همچون فرشتگان در برابر استادان و عالمان، کرنش کرد، آن گونه که پیامبر از تمام شاگردان خواسته است: «در برابر استاد و دانشمند فروتنی کنید و او را بزرگ دارید که همانا فرشتگان، دانشمندان را بزرگ می دارند و بال های خود را زیر پای آنان

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۷۴.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۲.

۳- ارشاد القلوب، ص ۲۰۱.

۴- جامع الاخبار، ص ۳۸.

۵- مجموعه ورام، ج۲، ص ۱۲۱.

می گسترانند».(۱)

پیامبر حق استاد را بر شاگرد چنین بیان می دارد:

از هر کس که حرف و کلمه ای (دانشی) آموختی، خود را خدمت کارش ساخته ای.(۲)

البته مقصود از تواضع در برابر استاد، خودکم بینی، پیروی کورکورانه یا کنار نهادن جسارت اندیشیدن نیست، بلکه منظور پاس داشت دانش و فرزانگی است. پیشوای چهارم شیعیان که گنجینه دانشش از خزینه معارف بی پایان پیامبر سرچشمه می گیرد، درباره حقوق استاد بر شاگرد چنین می فرماید:

حق کسی که به تو دانش می آموزد این است که:

الف) او را بزرگ داری؛

ب) احترام مجلسش را حفظ کنی؛

ج) به سخنانش، به نیکویی گوش فرا دهی؛

د) به او رو آوری؛

ه_) در حضور او با صدای بلند سخن نگویی؛

و) اگر کسی از او مطلبی پرسید، در پاسخ دادن به آن، بر او پیشی نگیری؛

ز) در محضرش با افراد دیگر سخن نگویی؛

ح) در نزد او از دیگران غیبت نکنی.(۳)

سعی نابرده در این راه، به جایی نرسی

مزد اگر می طلبی، طاعت استاد ببر

حافظ

۱- مجموعه ورام، ج۲، ص۶۱۴ .
۲- عوالی اللئالی، ج۱، ص۲۹۳.

۳- بحارالانوار، ج۲، ص۴۲.

۳ روشنا _ کاشانه

اشاره

۳ روشنا _ کاشانه

زیر فصل ها

۱. ازدواج را به تأخیر نیندازید

۲. در انتخاب همسر دقت کنید

۳. به زندگی گرما ببخشید

۱. ازدواج را به تأخیر نیندازید

۱. ازدواج را به تأخیر نیندازید

ازدواج، تحول شیرین و به یادماندنی دوران جوانی است. با ازدواج، گل های صفا و محبت و شیدایی در باغ جوانی می شکفد و حیاتی سبز و آمیخته با شادی های معنوی و لذت های سالم آغاز می شود. آدمی چنان آفریده شده است که به طور فطری به سوی ازدواج و تشکیل خانواده رهنمون می شود. از پیامبر شنیده شد که می فرمود: «یَا مَعْشَرَ الْشَّبابِ! عَلَيْكُم بِالْباهِ؛ ای گروه جوانان! ازدواج کنید».(۱)

کسانی که تن به ازدواج نمی دهند و از این سنّت الهی سرمی پیچند، نوعی خامی در وجودشان باقی می ماند و در بسیاری از جنبه های شخصیتی شان به تکامل نمی رسند. به گفته استاد مطهری «یک پختگی هست که جز در پرتو ازدواج پیدا نمی شود(۲)... ازدواج را به تأخیر نیندازید و بهنگام، دست به کار شوید؛ زیرا ازدواج اولین مرحله خروج از خودِ طبیعی فردی و توسعه پیدا کردن شخصیت انسان است و کسانی که این دوران را

۱- اصول کافی، ج۶، ص ۳۳۰.

۲- مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۴، ص ۳۹۸.

نگذرانده اند، تا آخر عمر یک نوع «خامی» و «بچگی» در آنها وجود دارد».(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فراوان این سخن را می فرمود که:

هر کس دوست دارد از سنّت من پیروی کند، به ازدواج روی آورد؛ زیرا ازدواج، [بخشی] از سنّت من است.(۲)

پیامبر در سخنان خود، از گشوده شدن درهای رحمت آسمانی و وزش نسیم احسان و بخشش الهی به هنگام ازدواج خبر داده است.(۳) کامل شدن دین فرد را نیز می توان جلوه ای از لطف خدا دانست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره هر کدام از یارانش که ازدواج می کرد، می فرمود: «دینش کامل شد».(۴)

بهره مند شدن از عشق، هم نشینی با یاری نیکو و رسیدن به انتظارهای روحی و جسمی را سه دلیل مهم ازدواج شمرده اند و دلیل دیگر، این بشارت است که: «هیچ بنیادی در اسلام نزد خداوند، محبوب تر از ازدواج نیست».(۵)

روزی یکی از جوانان مدینه به نام عکاف خدمت پیامبر رسید. آن حضرت از او پرسید:

ـ آیا زن داری؟

ـ خیر!

ـ برای ازدواج مشکلی داری؟

ـ خیر!

ـ آیا سالم و توانگری؟

۱- مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۴، ص ۲۵۱.

۲- بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۹۳.

۳- «یفتح ابواب السماء بالرحمه.. عند النکاح». مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص۱۵۲.

۴- دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۹۰.

۵- وسائل الشیعه، ج۱۴، ص ۳.

ــ آری بحمدالله.

ــ در این صورت تو از برادران شیطانی یا از راهبان مسیحی هستی! اگر مسلمانی، مانند همه مسلمانان رفتار کن. اختیار کردن همسر، از سنّت های من است. بدترین های شما، مردان بی زن و بدترین مردگان شما، اموات مجرد هستند. وای بر تو ای عکاف! زن بگیر که [در غیر این صورت] خطاکاری!

- یا رسول الله! پیش از آنکه از جای خود برخیزم، مرا زن بده!

- کریمه، دختر کلثوم حمیری را به ازدواج تو در آوردم.(۱)

تمایل مرد و زن جوان به یکدیگر، امری فطری است و در پرتو ازدواج، هر دو از سودها و نتایجی عالی بهره مند خواهند شد. از جمله:

الف) آرامش روح و سکون روان با ازدواجی موفق تحقق می یابد و این احساس، زمینه رشد جوان را برای دست یابی به فضیلت های انسانی فراهم می آورد، چنان که پروردگار مهربان می فرماید:

از نشانه های او این [است] که از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان ها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، همانا در این [نعمت] برای مردمی که می اندیشند، نشانه هایی هست. (روم: ۲۱)

نتیجه چنین دوستی و آرامشی، فزونی مروت و نیک سیرتی است که پیامبر بدان اشاره دارد: «پسران و دختران مجرد خود را همسر دهید که خداوند، مروتشان را افزون و سیرتشان را نیکو گرداند».(۲)

ب) ازدواج، سالم ترین راه برای ارضای تمایل جنسی و سپری مطمئن برای در امان ماندن از آلودگی های جنسی و خلاف عقل است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «ازدواج بهترین راه برای رهایی از نگاه شهوانی و [حفظ]عفت جنسی، پاک دامنی و شرافت

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۵.

۲- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص۲۲۲.

انسانی است».(۱)

مسائل جنسی و شهوانی، از سریع ترین راه های نفوذ شیطان است که گاه در پوشش ارتباط دوستانه میان پسر و دختر جوان، آنها را در ورطه هرزگی و هوس رانی می اندازد، ولی زوج جوان در پرتو مهر همسر خود، این راه نفوذ را سد می کنند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله با سفارش به ازدواج و پرهیز از ارتباط های نامشروع(۲) می فرماید:

هر جوانی که در ابتدای جوانی اش ازدواج کند، با این کار نیک خود ناله ابلیس را درمی آورد، چنان که او فریاد می کشد: «وای بر من! وای بر من! این جوان دو سوم دین و آیینش را از گزند من در امان داشت و خود را بیمه کرد. پس لازم است در یک سوم باقی مانده، خویشتن دار باشد.(۳)

زوج جوان به دلیل پاک بودن از آلودگی ها و انحراف های شهوانی، جایگاه والایی نزد خداوند دارند، تا جایی که حتی خوابشان برتر از انسان مجردی است که روزها روزه دارد و شب ها به خاطر عبادت بیدار می ماند.(۴)

پیامبر خدا، دو رکعت نماز پسر و دختر ازدواج کرده را برتر از نماز مجردی می داند که شب و روز خود را به پرستش سپری می کند.(۵) ازاین رو، هرگاه یکی از یارانش ازدواج می کرد، پیامبر «کامل شدن دینش» را به او بشارت می داد(۶) و همواره به جوانان سفارش

۱- مستدرک الوسائل، ج۱۴، ص۱۵۳.

۲- «یا شاب! تَزوّج، وَ إِیّاکَ وَ الزِّنا، فَإِنَّهُ یَنْزِعُ الْاءِیْمانَ مِنْ قَلْبِکَ؛ ای جوان! ازدواج کن و از زنا بپرهیز. همانا که این زشتی، ایمان را از قلب تو بیرون می کشد». مکارم الاخلاق، ج۱، ص۴۳۰.

۳- «ما مِنْ شابٍّ تَزوّجَ فِی حِداثَهِ سِنّه اِلاَّ عَجَّ شَیْطانَه یَا وَیْلِ! یَا وَیْلِ! عَصِمَ مِنّی ثُلثَیِ! فَلْیَتَّقَ اللّه الْعَبْدُ فِی الثُّلُثِ الْباقِی». بحارالانوار، ج۱۰۰، ص۲۲۱.

۴- «اَلْمُتَزَوِّجُ النّائِمُ اَفْضَلُ عِنْدَاللّه مِنَ الصّائِمِ الْقائِمِ العزَبِ». سفینه البحار، ج۱، ص۵۶۱.

۵- «رَکْعَتَانِ یُصَلّیهِمَا مُتَزَوِّجٌ اَفْضَلُ مِنْ صَلاهِ رَجُلٍ عَزْبٍ، یَقوُم لَیْلَهُ وَ یَصُومُ نَهارَه». طوسی، تهذیب الاحکام، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۶ ه_ . ق، ج۷، ص۲۳۹.

۶- امیرمؤمنان، علی علیه السلام : «لَمْ یَکُنْ اَحَدٌ مِنْ أَصْحابِ رَسُولِ اللّه یَتَزوَّجُ اِلاّ قَالَ رَسُولُ اللّه : کَملَ دَینَه». نعمان مغربی، دعائم الاسلام، ج۲، ص۱۹۰.

می فرمود:

هرکه دوست دارد خدا را پاک و پاکیزه ملاقات کند، خدا را در حالی ملاقات کند که همسر دارد.(۱)

ج) ادامه نسل و نژاد آدمی و ایجاد نسلی صالح، از نتایج هم دمی و پیوند دختر و پسر جوان است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

چه چیز مؤمن را از انتخاب همسر باز می دارد؟ هر آینه در پرتو ازدواج، خداوند فرزندی به او بخشد که زمین را با شعار «لا اله الا اللّه » سنگین سازد.(۲)

بیشتر جوانان، به دلیل بیم از ناتوانی در اداره خانواده، ازدواج را به تأخیر می اندازند تا پس از اندوختن مال و با اطمینان کامل، گام پیش نهند، ولی بیشتر این دغدغه ها نارواست؛ زیرا با حداقل امکانات نیز می توان آغاز کرد، بلکه رزق و روزی در گرو ازدواج است.(۳) رسول خدا می فرماید: «اِتَّخِذُوا الاَهْلَ، فَاِنَّهُ اَرْزَقُ لَکُمْ؛ خانواده تشکیل دهید که برای شما روزی آور است.»(۴) ایشان در کلام شیرین دیگری هم می فرماید: «با زنان ازدواج کنید. آنان ثروت و روزی می آورند».(۵)

این سخنان امیدبخش، جوان را دلیر می سازد تا با اعتماد به آنها، توان و نیرویش را دوچندان سازد و در سایه بخشش و لطف الهی، زندگی مشترک سرشار از صفا و زیبایی را بنیان نهد. در قرآن نیز به این امر اشاره شده است:

اگر تنگ دست باشند، خداوند آنان را از فضل خویش بی نیاز خواهد کرد و خدا گشایشگر

۱- «مَنْ اَحَبَّ اَنْ یَلْقِی اللّه ِ طاهِرا مُطَهِّرا فَلْیَلْقِهِ بِزَوْجَه». مفید، المقنعه، قم، منشورات جماعه المدرسین، ۱۴۰۶ ه_ . ق، ص۴۹۶.

۲- صدوق، مَن لایحضره الفقیه، ج۳، ص۳۸۲.

۳- پیامبر: «اِلْتَمِسُوا الرِّزْقَ بِالنِّکاحِ». مکارم الاخلاق، ج۱، ص۴۳.

۴- بحارالانوار، ج۱۰۳، ص۲۱۷.

۵- مکارم الاخلاق، ج۱، ص۴۳.

داناست. (نور: ۳۲)

جوانی خدمت پیامبر آمد و در محضر ایشان اظهار نیاز کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله به او پیشنهاد داد ازدواج کند.(۱) آن جوان از اظهار دوباره نیاز خود شرم کرد. در آن حال، مردی از انصار او را دید و گفت: «دختری زیبارو دارم که می خواهم او را به ازدواج تو درآورم!» جوان با دختر آن انصاری ازدواج کرد و در سایه این پیوند، رحمت و فضل الهی بر زندگی شان سایه افکند و گشایشی در روزی شان پدید آمد. آن جوان بار دیگر خدمت پیامبرخدا آمد و ایشان را از حال خویش آگاه کرد. پیامبر پس از شنیدن سرگذشت شیرین او فرمود: «جوانان! بر شما باد که ازدواج کنید».(۲)

۲. در انتخاب همسر دقت کنید

اشاره

۲. در انتخاب همسر دقت کنید

دقت در انتخاب همسر، امری ضروری است که سهل انگاری در آن، پشیمانی به بار خواهد آورد. در دین اسلام، برای گزینش همسر، معیارهایی معرفی شده است که به ذکر آنها می پردازیم:

الف) دین داری

الف) دین داری

همسر دین دار انتخاب کنید؛ زیرا دین داری دختر و پسر جوان، حفظ حریم عفت، حیا، نجابت و غیرت را در پی خواهد داشت.

جوانی نزد پیامبر آمد و از ایشان درباره ازدواج راهنمایی خواست. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آری! ازدواج کن و برتو باد که همسر دین دار انتخاب کنی.»(۳) پیامبر درباره معیارهای برخی از مردم در انتخاب همسر چنین فرمود:

برخی در انتخاب همسر، به مال یا دین یا زیبایی یا حسب و نسب او توجه دارند، ولی بر شما

۱- در روایتی آمده است که پیامبر سه بار او را به ازدواج سفارش کرد. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۵.

۲- اصول کافی، ج۵، ص ۳۳۰.

۳- «نَعَمْ، اَنْکِحْ! وَ عَلَیْکَ بِذَواتِ الدِّین». کافی، ج۵، ص ۳۳۲.

باد که با دین داران ازدواج کنید.(۱)

پیامبر، از انتخاب همسر با ملاک ثروت یا زیبایی بدون دین داری، نهی می کند و می فرماید:

هر کس با زنی به خاطر مال آن زن ازدواج کنـد، خداوند او را به مال وی واگذار خواهد کرد.(۲) هرکه با او برای زیبایی اش ازدواج کنـد، چیزی که خوشاینـد نیست، در او خواهـد دیـد و هرکه با وی برای دینش ازدواج کنـد، خداوند تمام این مزایا را برایش جمع خواهد کرد.(۳)

صید دین کن تا رسد اندر تَبَع

حُسن و مال و جاه و بختِ مُنْتَفَع(۴)

ب) اخلاق پسندیده

اخلاق خوب، اساس پایـداری و سـبب شـیرینی زنـدگی زناشویی است و بی شک بداخلاقی، بی احترامی ها و نامهربانی هایی در پی دارد که فروغ محبت را خاموش خواهد ساخت. پیامبر می فرماید:

هرگـاه برای دخترتـان خواسـتگاری آمـد که دین و اخلاـقش را می پسـندید، بپذیریـد؛ وگرنه فتنه و فسـاد در جـامعه زیاد می شود.(۵)

ج) اصالت خانوادگی

ج) اصالت خانوادگی

به دلیل اثرپذیری دختر و پسر از خانواده و محیط رشد، اصالت خانوادگی بسیار

۱- کنزالعمال، ح ۴۴۶۰۲.

۲- «لاتُزَوِّجُهُنَّ لِأَمْوالِهِنَّ فَعَسی أَمْوالِهِنَّ اَنْ تُطْغِیهِنَّ؛ برای ثروت با آنان ازدواج نکنیـد، چه بسا دارایی شان آنان را بر ضد شـما بشوراند». کنزالعمال، ح۴۴۵۳۷.

۳- «مَنْ تَزَوَّجَ إمْرَأةً لِمالِهَا وَ کَلَهُ اللّه اِلَیْهِ، وَ مَنْ تَزَوَّجَها لِجَمالِها رَأی فیها مَایَکْرهُ، وَ مَنْ تَزَوَّجَها لِدینِها جَمَعَ اللّه لَهُ ذلِكَ». وسائل الشیعه، ج۱۴، ص۳۱.

۴- مثنوی معنوی، دفتر۴، بیت ۳۱۴۱.

۵- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۱.

نقش آفرین است. ازاین رو، پیامبر می فرماید:

با گروهی ازدواج کنید که مردانشان عفت دارند. پس زنانشان هم عفیف هستند و با آن گروه ازدواج نکنید که مردانشان بی عفتی کرده اند؛ زیرا زنانشان هم بی عفت شده اند.(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره ازدواج با زنان زیبارویی که در محیط فاسد پرورش یافته اند، هشدار می دهد و آنان را به سبزه ای که در لجن زار روییده، تشبیه و تعبیر «سبزه در مزبله» را یاد می کند: «زن زیبایی که در محله و خانواده ای زشت باشد».(۲)

د) همتایی (کُفْوِ همدیگر بودن)

د) همتایی (کُفْوِ همدیگر بودن)

این ویژگی، بر نوعی هماهنگی، هم گرایی و سنخیت روحی و اخلاقی و جسمی میان دختر و پسر تأکید دارد تا زندگی مشترک، استوارتر، پرثمرتر و لذت بخش تر شود. رسول گرامی اسلام می فرماید: «به همتایان خود زن بدهید و از همتایان خود زن بگیرید».(۳)

همتایی گونه های مختلفی دارد، از جمله: همتایی دینی، فرهنگی، اخلاقی، علمی، جسمی، زیبایی، سنی، مالی، خانوادگی، اجتماعی، روحی و روانی.

رسول خدا صلی الله علیه و آله، مؤمنان را هم شأن و همتای هم می دانست. ایشان مقداد بن اسود را به ضباعه دختر زبیر بن عبدالمطلب تزویج کرد؛ زیرا در نگاه او، بهترین شرافت، ایمان بود و تناسب در آن مورد، جایگاه خاصی در نظر حضرت داشت(۴) و بر گونه های دیگر مقدم بود. داستان ازدواج جویبر و ذلفا، ترجمان دیگری از این اندیشه نبوی است. دختر و پسر مؤمن بهترین همتای هم هستند و این ویژگی از دیگر ویژگی ها مهم تر است.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۷۱.

۲- «اِیّاکُمْ وَ خَضْراءَ الدِّمَنِ. قیل: یَا رَسُولَ اللّه ِ وَ مَا خَضْراءُ الدِّمَنِ؟ قالَ: اَلْمَرْأَةُ الْحَسْناءُ فی مَنْبِتِ السُّوءْ». وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۹.

۳- وسائل الشیعه، ج۱۴، ص۲۹.

۴- وسائل الشیعه، ج۱۴، ص ۴۰.

جویبر مردی سیاه پوست و فقیر از اهل یمامه بود که به حضور پیامبر شتافت و مشتاقانه اسلام آورد. رسول خدا صلی الله علیه و آله از وی دل جویی می کرد و لباس و غذای او و «اصحاب صُفّه» را فراهم می ساخت.

روزی پیامبر به وی فرمود:

ــ جویبر! چه خوب بود که همسری اختیار می کردی تا هم شهوت خود را کنترل کنی و هم در امور دنیا و آخرت شریکی داشته باشی.

ــ ای پیامبر خدا! پدر و مادرم به فدایت! کدام زن حاضر است به همسری من تن دهد؟ نه حسب و نسبی دارم و نه مال و جمالی.

ــ ای جویبر! خداوند جهان به برکت دین اسلام، آن کسی را که در جاهلیت شرافت داشت، پست ساخت و آنان را که پست بودند، شرافت بخشید. امروز همه مردم، سفید، سیاه، قریش، عرب و عجم برابرند و همه، فرزندان آدم هستند و آدم نیز از خاک آفریده شده است. جویبر! من امروز هیچ یک از مسلمانان را نسبت به دیگری برتر نمی بینم، جز برای کسی که تقوا و فرمانبرداری اش در پیشگاه خدا بیشتر باشد. جویبر! هم اکنون نزد زیاد بن لبید که فرد محترم مردم قبیله بنی بیاضه است، می روی و به او می گویی: رسول خدا مرا فرستاده و دستور داده است که دخترت، ذلفا را به عقد من درآوری!

جویبر با خوش حالی روانه خانه زیاد گشت. وقتی وارد خانه او شد، تعداد زیادی از بستگان وی گِردش نشسته بودند و گفت وگو می کردند. جویبر اجازه ورود خواست و پیام رسول خدا صلی الله علیه و آله را این گونه به زیادبن لبید رساند:

ــ رسول خدا پیغام داده که ذلفا را به عقد من درآوری!

ــ آیا پیامبر خدا تو را برای رساندن این پیام فرستاده است؟

ــ آری، من سخن دروغ به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت نمی دهم.

ــ ما دختران خود را به کسانی که هم شأن ما نیستند، تزویج نمی کنیم! برگرد تا خودم نزد پیامبر بیایم و عذرم را بگویم.

جویبر با ناراحتی بازگشت. در آن حال، ذلفا نزد پدر آمد و پرسید:

ــ پدرجان چه گفت وگویی با جویبر داشتی؟

ــ می گوید پیامبر مرا فرستاده که ذلفا را به من تزویج کنی.

ــ به خدا سوگند، جویبر دروغ نمی گوید! کسی را بفرست تا پیش از آنکه جویبر نزد رسول خدا رود، او را برگرداند.

زیاد بی درنگ جویبر را از میان راه بازگرداند و به او احترام کرد و گفت: اینجا باش تا من برگردم. آن گاه خود به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و گفت: پدر و مادرم به فدایتان! جویبر حامل پیامی از سوی شما بود، ولی ما طایفه انصار، دختران خود را جز به افراد هم شأن خود تزویج نمی کنیم. رسول خدا صلی الله علیه و آله پاسخ داد: ای زیاد! جویبر مردی باایمان است و مرد مؤمن، هم شأن زن مسلمان است. دخترت را به همسری جویبر درآور و دامادی او را ننگ مدار!

زیاد به خانه برگشت و سخنان پیامبر را به گوش دخترش رسانید. ذلفا نیز با خرسندی از نظر رسول خدا صلی الله علیه و آله، به پدر گفت: پدر جان! بدان که اگر از فرمان پیامبر خدا سرپیچی کنی، کافر خواهی شد.

پس زیاد بن لبید دست جویبر را گرفت و او را به میان بزرگان قوم خود آورد و ذلفا را به او تزویج کرد. مهریه و جهیزیه عروس را نیز خود بر عهده گرفت و به دلیل تنگ دستی داماد، خانه ای با وسایل زندگی در اختیارشان نهاد.(۱)

ه_) زیبایی

ه_) زیبایی

زیبایی، امتیازی است که در شیرینی و صفای زندگی مؤثر است،(۲) ولی در اولویت بندی معیارها در رتبه اول قرار ندارد؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «نباید

۱- اصول کافی، ج ۵، ص ۳۳۹.

۲- پیامبر: «خَیْر نِساءِ اُمَّتی اَصبَحهُنَّ وَجْهاً؛ بهترین زنان امتم، خوب رویان هستند». وسائل الشیعه، ج۱۴، ص ۱۶۰.

زیبایی چهره زن را بر حسن دین داری او برگزید».(۱)

ویژگی هایی چون فاسق بودن، بی عفتی، فحاشی، بداخلاقی و حماقت نیز گزینه های منفی معرفی شده اند.(۲)

۳. به زندگی گرما ببخشید

۳. به زندگی گرما ببخشید

همسر خود را بزرگ بدارید. او به منزله بال شماست که می توانید با آن پرواز کنید. با بزرگداشت او، بر گرما و محبت زندگی خود می افزایید. به این آیه توجه کنید:

یکی از آیات الهی این است که برای شما از جنس خودتان، جفتی آفرید تا با او انس گیرید و آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی برقرار ساخت. در این امر، برای افرادی که اهل اندیشه باشند، آیات و نشانه هایی وجود دارد. (روم: ۲۲)

آرامش، در پی انس و الفت و هم دلی و هم زبانی به دست می آید و باید دوستی و مهربانی حاصل از آن را پاس داشت.

پیامبر اسلام در خانواده، مهربان بود. هیچ گاه برخورد خشونت آمیز با همسران خود نداشت که این بر خلاف خلق و خوی مکیان بود. به خوش رفتاری با زنان سفارش می کرد و می فرمود که همه انسان ها خصلت های نیک و بد دارند. مرد نباید تنها جنبه های ناپسند همسر خویش را در نظر گیرد و او را ترک کند؛ زیرا هرگاه یک خصلت او ناراحتش کند، خصلت دیگرش، مایه خشنودی اوست و این دو را باید با هم به حساب آورد. آن حضرت با فرزندان و فرزندزادگان خود مهربان بود. به آنها محبت می کرد، آنها را روی دامن خویش می نشاند، بر دوش خود سوار می کرد و می بوسید که همه اینها برخلاف رسم آن دوره بود.(۳)

۱- کنزالعمال، ح ۴۴۵۹۰.

۲- وسائل الشیعه، ج۱۴، ص ۲۰؛ مستدرک الوسائل، ج۱۴، ص۱۶۵.

۳- نک: مجموعه آثار، ج۲، وحی و نبوت، صص ۲۵۱ _ ۲۶۲.

دوستی همسر، از اخلاق انبیاست و این دوستی را باید به همسر اعلان کرد. پیامبر می فرمود: «این سخن مرد به زن که «دوستت دارم» هرگز از دل زن بیرون نمی رود».(۱)

بنابراین، به پیروی از پیامبر اسلام، با نیکی کردن به همسرتان، دلش را به دست آورید، به او مهر بورزید و به یکدیگر وفادار باشید و دل خوری های کوچک و کم اهمیت زندگی را نادیده بگیرید.

۱- «قَولُ الرَّجُلِ للمَراهِ انّی اُحِبُّكِ لایَذْهَبُ مِنْ قَلْبِها اَبدا». اصول کافی، ج ۵، ص ۵۶۹.

۲ روشنا _ جامعه

اشاره

۲ روشنا _ جامعه

زیر فصل ها

۱. به نیک سیرتی عادت کنید

۲. مسئولیت پذیر باشید

۱. به نیک سیرتی عادت کنید

۱. به نیک سیرتی عادت کنید

آیا می دانید شبیه ترین شما به پیامبر کیست؟

هر کس در برابر این پرسش پیامبر پاسخی اندیشید. آن گاه خود پیامبر فرمود: «اَشْبَهُكُمْ بِی اَحْسَنُكم خُلْقا؛ شبیه ترین شما به من، خوش اخلاق ترین شما است».(۱)

آنچه از رفتار و اخلاق پیامبر نمایان بود، در عالی ترین حد اخلاق انسانی قرار داشت، چنان که خداوند نیز درباره او فرمود: «إِنَّكَ لَعَلی خُلُقٍ عَظیمٍ؛ تو دارای اخلاق عظیم و برجسته هستی». (قلم: ۴)

پیامبر به تعبیر قرآن، نرم خو و مهربان بود.(۲) علی علیه السلام در این باره می فرماید: «چنان نرم خو و گشاده رو بود که مسلمانان، او را پدر خویش می دانستند».(۳)

به حسن خلق و وفا، کس به یار ما نرسد

تو را در این سخن، انکار کار ما نرسد

اگرچه حسن فروشان به جلوه آمده اند

کسی به حسن و ملاحت، به یار ما نرسد

۱- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص ۱۵۱.

۲- نک: آل عمران: ۱۵۹؛ توبه: ۱۲۸.

۳- بلاذری، انساب الاشراف، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ هـ . ق، ج۱، ص ۳۸۸.

هزار نقش برآید، ز کلک صنع و یکی

به دل پذیری نقش نگار ما نرسد

حافظ

پیامبر بهترین مردم را خوش اخلاق ترین آنان معرفی کرد؛ آنهایی که خود را آماده خدمت می سازند و با الفت و محبت، با دیگران زندگی می کنند.(۱)

آن حضرت به امیرمؤمنان، علی علیه السلام فرمود:

ای علی! آیا [ویژگی های]کسانی را که در اخلاق به من شبیه ترند، برای تو باز گویم؟ خوش اخلاق ترین، بردبارترین، نیکوکارترین افراد در حق خویشاوندان و با انصاف ترین آنها در حق خود، شبیه ترین مردم به من هستند.(۲)

پس خود را به نیک سیرتی و اخلاق پسندیده عادت دهید که اگر نیمی از دین، ارتباط فرد با خدا باشد، نیم دیگر، رعایت آداب معاشرت است: «خُلْقُ الْحَسَنِ نِصفُ الدِّین».(۳)

شخصی از روبه رو خدمت پیامبر رسید و پرسید: دین یعنی چه؟ پیامبر فرمود: «اخلاق نیکو.» بار دیگر از سمت راست آمد و پرسید: دین چیست؟ حضرت پاسخ داد: «حسن خلق.» او قانع نشد و از سمت چپ پیامبر باز آمد و پرسش خود را تکرار کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز همان پاسخ را تکرار فرمود.

بار چهارم از پشت سر حضرت، در این باره پرسید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سوی او برگشت و فرمود: «اَما تَفَقَّهُ الدِّینَ؛ آیا هنوز دین را نشناخته ای؟»(۴)

۱- «اَفاضِلُکم اَحْسَنُکم اَخْلاقا الْمُوَطَّئُون اَکْنافا الَّذینَ یَأْلَفُون وَ یُؤلَفُون». اصول کافی، ج۲، ص ۱۰۲.

۲- نک: مکارم الاخلاق، ج۲، صص ۳۱۹ _ ۳۳۷.

۳- بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۸۵.

۴- مجموعه ورام، ص ۸۹.

من ندیدم در جهان جست وجو

هیچ اهلیت به از خوی نکو(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود:

محبوب ترین شما نزد من و نزدیک ترین شما به من در قیامت از نظر جایگاه، کسی است که از همه خوش اخلاق تر و تواضع او از همه بیشتر باشد.(۲)

۲. مسئولیت پذیر باشید

۲. مسئولیت پذیر باشید

مسئولیت مشترک، ضرورتی اجتماعی است که همگان را موظف می سازد در کنار مراقبت از اعمال خود، در برابر دیگر اعضای جامعه و اطرافیان، احساس مسئولیت کنند. هم دغدغه شایسته بودن خود را داشته باشند و هم دیگران را در شایسته زیستن یاری دهند. بنابراین، همه مسئول نگاهبانی از یکدیگرند.

حاصل این آمد که یار جمع باش

هم چو بتگر از حجر یاری تراش

مولوی

امر به معروف و نهی از منکر، یکی از جلوه های مسئولیت پذیری است. این دو فریضه، راه پیامبران و روش شایستگان است.(۳) پس پیرو آنان باشید.

پیامبر گرامی اسلام، تحسین کننده خوبی ها بود و اگر می دید شخصی در جامعه،

۱- مثنوی معنوی، دفتر۲، بیت ۸۱۰.

۲- وسائل الشیعه، ج۱۵، ص ۳۷۸.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۵۹.

رفتاری خوب و برخوردی شایسته دارد یا کاری سازنده انجام می دهد، او را تشویق می کرد و اگر کاری ناروا می دید، آن را زشت می شمرد و تضعیف می کرد.(۱) «او مردم را به معروف امر می کرد و از منکر باز می داشت». (اعراف: ۱۵۷)

روا نیست که جوان مسلمان به اطراف خود بی توجه و سرد و بی غیرت باشد و سر در لاک خویش فرو بَرَد و با خیال خود خوش باشد. فرض کنید مسافرانی در یک کشتی نشسته اند و کشتی در میان دریاست. آیا کسی می تواند جایی را که در آن نشسته سوراخ کند، به این بهانه که مالک آنجاست و در قبال آن پول داده است و توقع هم داشته باشد که دیگران به او اعتراض نکنند؟ اگر آنجا را سوراخ کرد و دیگران هم اعتراض نکردند، آیا فقط او هلاک می شود یا همه مسافران کشتی در معرض نابودی قرار می گیرند؟

بنابراین، وقتی با هم در جامعه زندگی می کنیم، سرنوشتمان تا حد زیادی وابسته به یکدیگر است و به راستی، برادر که در بند خویش است، نه برادر و نه خویش است.(۲) پس خود را مسئول بدانید و برای اصلاح، حرکت کنید.

بندگان حق، رحیم و بردبار

خوی حق دارند در اصلاح کار

مهربان، بی رشوتان، یاریگران

در مقام سخت و در روز گران

مولوی

۱- بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۴۸.

۲- کلیات سعدی، گلستان، باب دومدر اخلاق درویشان.

۱ روشنا _ محک

اشاره

۱ روشنا _ محک

زیر فصل ها

خود را ارزیابی کنید

خود را ارزیابی کنید

خود را ارزیابی کنید

پیش از آنکه به ارزیابی و نقد دیگران درآیید، خویشتن را محک بزنید و رفتار خویش را ارزیابی کنید. پیامبر می فرمود:

حاسِبُوا اَنفُسَکُم قَبلَ اَنْ تُحاسَبُوا وَزِنُوا مِنْ قَبلِ اَنْ تُوزَنوا.(۱)

به حساب خود رسیدگی کنید، پیش از اینکه به حسابتان رسیدگی شود و خود را ارزیابی کنید، پیش از اینکه شما را ارزیابی کنند.

اگر ضعفی دارید، به آن توجه کنید و برای از بین بردن آن بکوشید. یک حلقه ضعیف در زنجیر، خطر بزرگی برای تمام زنجیر است. پس خود را ارزیابی و حلقه های قوی را به هم متصل کنید.

بهتر است بر اساس معیارهایی که به شما سفارش شده، خود را بسنجید. برای مثال:

- وفاداری به قول ها و وعده ها؛

- به پایان رساندن کارها در زمان مقرر؛

- عمل به تعهدها؛

- تکمیل اموری که نیمه کاره رها شده اند.

- بررسی رفتارها، کردارها و اعمال فردی، عبادی و اجتماعی .

ارزیابی خویشتن و شناخت جنبه های پنهان شخصیت، سبب می شود به خود،

۱- بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۷۳.

اطمینان بیشتری پیدا کنید.(۱)

این سخن پیامبر را همواره به یاد داشته باشید: «زیرک ترین زیرکان، کسی است که پیوسته خود را ارزیابی کند».(۲)

۱- چگونه بر خویشتن مدیریت کنیم؟، ص ۳۸.

۲- بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۵۰.

۴۰ چراغ

اشاره

۴۰ چراغ

زیر فصل ها

برای فردا

برای فردا

برای فردا

از کرامت های خاتم انبیا، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، آن است که با سخنی کوتاه، دنیایی مطلب به مخاطب ارائه می دهد، چنان که خود می فرماید: «اُعطِیتُ جَوامِعَ الکَلِمِ؛ خداوند به من کلمات جامع داده است».(۱)

جان گرامی دریغ نیست ز عشقش

جان من و صد چو من، فدای محمد

جامی

حضرت در کلامی دیگر می فرماید: «خدا خرم سازد چهره آن بنده ای را که سخن مرا بشنود و ضبط کند و به کسانی برساند که نشنیده اند».(۲)

جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «اگر در پی بزرگواری و رشد هستید، به او اقتدا کنید که سرچشمه فخر و بزرگی است».(۳)

«تا فردا»، مجموعه ای از ۶۳ پیام و نکته کوتاه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که خواندن و تلاش برای عمل به آنها، فردایی بهتر برای جوان امروز رقم خواهد زد.

۱. آفت عبادت، سستی است.

۲. از آنان مباش که مردم را به نیکی راهنمایی می کنند و به خیر فرمان می دهند، ولی خود از

۱- الخصال، ج ۱، ص ۲۹۲.

۲- «نَظَرَ اللّهُ عَبدا سَمِعَ مَقالَتی فَوَعَاهَا وَ بَلَّغَها مَنْ لَمْ یَسْمَعْها». الخصال، ج۱، ص ۱۴۹.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰.

آن غافل می مانند.

۳. از سستی بپرهیز که اگر سستی به خود راه دهی، نمی توانی حقی را به جای آوری.

۴. از لج بازی بپرهیز که آغازش، نادانی و انجامش، پشیمانی است.

۵. از لغزش های گرفتاران درگذرید.

۶. اگر آزردگی و خستگی بر کسی چیره شود، رنگ آسایش به خود نخواهد دید.

۷. اگر کسی از دوزخ بترسد، شهوت ها را ترک می کند.

۸. کسی که مردم از زبان او بترسند، از دوزخیان است.

۹. امانت داری، روزی آوَرَد و خیانت، درویشی افزاید.

۱۰. بداخلاقی، شوم است.

۱۱. بدترین افراد کسی است که مردم برای در امان ماندن از شرّش، او را گرامی دارند.

۱۲. به شتاب رفتن، ارزش مؤمن را ببرد.

۱۳. پیوند خویشاوندی را نگه دارید، هر چند به گفتن سلامی.

۱۴. بکوش هر آنچه با چشم می بینی و در دلت می گذرد، برای خدا باشد.

۱۵. تو را از سه خصلت باز می دارم: حسد، حرص و کبر.

۱۶. چهار خصلت، عامل بدبختی است: خشکی چشم، سختی دل، درازی آرزو و حب بقا.

۱۷. دانش را با نگارش در بند کشید.

۱۸. در غم روزی فردا مباش که روزی هر فردایی، خود خواهد رسید.

۱۹. در کارهای خود از نهان داشتن مدد گیرید؛ زیرا به هر صاحب نعمتی رشک می برند.

۲۰. دروغ مگو که نورت از میان می رود.

۲۱. زبانت را حفظ کن.

۲۲. زیبایی شخص، در کلام اوست.

۲۳. کسی که از خداوند نترسد، خداوند او را از همه چیز می ترساند.

۲۴. کسی که از دین و دنیای او بهره ای نبری، در هم نشینی او، برای تو خیری نیست.

۲۵. کسی که زحمت خود را بر مردم افکند، نفرین شده است.

۲۶. کسی که عذر عذرخواه را نپذیرد، به شفاعت من نخواهد رسید.

۲۷. کسی که مشتاق بهشت است، به سوی انجام کارهای نیک می شتابد.

۲۸. مرگ، ما را از هر اندرزگویی بی نیاز می کند.

۲۹. نمازهای واجب را به عمد، ترک مگوی.

۳۰. برای آن کس که حق تو را پاس نمی دارد، حق و احترامی قائل مشو.

۳۱. هرچه بر خود نمی پسندی، بر دیگری مپسند و هرچه بر خود روا می داری، بر دیگری نیز روا دار.

۳۲. هر دل سوخته ای را عاقبت، پاداشی است.

۳۳. هر کس به شما احسانی کرد، به او پاداش دهید و اگر پاداشی ندارید، او را به نیکویی بستایید.

۳۴. هر گناهی توبه ای دارد، مگر عادت های زشت؛ چرا که زشت خو هرگاه گناهی انجام دهد، به گناهی دیگر می پردازد.

۳۵. هر مستی آوری حرام است و هر آنچه بسیارش مستی آور باشد، یک جرعه از آن نیز حرام است.

۳۶. هیچ تنهایی ای، دوردارنده تر از عُجْب نیست.

۳۷. هیچ عبادتی، مانند اندیشیدن نیست.

۳۸. هیچ عقلی، مانند تدبیر نیست.

۳۹. هیچ فقری، بدتر از نادانی نیست.

۴۰. هیچ مالی، دست گیرتر از عقل نیست.(۱)

۱- نک: مکارم الاخلاق، ج ۲، صص ۳۱۹ _ ۳۶۱؛ نک: تحف العقول، صص ۳۵ _ ۵۹ ؛ نک: پیام پیامبر، صص ۱۱۶ _ ۱۳۹.

کتاب نامه

کتاب نامه

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه: سید رضی.

۱. آیتی، محمدابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۵ه . ق.

۳. احسائی، ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی، قم، انتشارات سیدالشهداء(ع)، ۱۴۰۵ه .ق.

۴. احسان بخش، صادق، آثار الصادقین، رشت، ستاد برگزاری نماز جمعه، ۱۳۷۱.

۵. احمد بن ابی یعقوب (ابی واضح یعقوبی)، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمدابراهیم آیتی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۷۱.

۶. احمد بن حسین بیهقی، سنن الکبری، بیروت، دارالمعرفه.

۷. اشتری، ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، تهران، چاپ خانه حیدری.

۸. التمیمی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، القاهره، دارالمعارف، ۱۳۸۵ ه_ . ق.

۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ ه . ق.

۱۰. برقی، احمد بن محمد بن خالد، محاسن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ه . ق.

۱۱. بصری، ابن سعد، طبقات الکبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ ه . ق.

۱۲. بلاذری، انساب الاشراف، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ ه . ق.

۱۳. بهاءالدین خرمشاهی و مسعود انصاری، پیام پیامبر، نشر جامی، تهران، ۱۳۷۶.

۱۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، شرح و ترجمه: آقاجمال خوانساری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.

۱۵. جمعی از نویسندگان زیر نظر: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۱۶. حاکم نیشابوری، المستدرک للصحیحین، بیروت، دارالفکر، بی تا.

۱۷. حرّانی، ابن شعبه، تحف العقول، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، منشورات جماعه المدرسین، ۱۴۰۴ ه . ق.

۱۸. حلی، ابن فهد، عده الداعی، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ هـ . ق.

۱۹. حویزی، ابن جمعه، نورالثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان.

۲۰. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، ارشاد القلوب، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ه .ق.

۲۱. ______________، اعلام الدین، قم، المطبعه المهدیه.

۲۲. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۶ هـ . ق.

۲۳. راوندی، قطب الدین، الدعوات، قم، دارالحدیث.

۲۴. رومی، جلال الدین بلخی، مثنوی معنوی، به تصحیح: رینولد. ا. نیکلسون، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳.

۲۵. ریچارد کارلسون، زندگی یک فوریت نیست، ترجمه: فاطمه معتمدی، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۸۰.

۲۶. سبزواری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۴ ه . ق.

۲۷. سجستانی، ابی داوود سلیمان بن اشعث، سنن ابی داوود، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ه . ق.

۲۸. سعدی شیرازی، کلیات اشعار سعدی، به کوشش: مظاهر مصفا، تهران، کانون معرفت، بی تا.

۲۹. سیوطی، جلال الدین، جامع الصغیر، بیروت، دارالفکر، بی تا.

۳۰. صابری یزدی، علی رضا، الحکم الزاهره، ترجمه: محمدرضا انصاری، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.

۳۱. صالحی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ هـ . ق.

۳۲. صدوق، الخصال، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، منشورات جماعه المدرسین، ۱۴۰۳ هـ . ق.

۳۳. ________________، معانی الاخبار، قم، منشورات جماعه المدرسین، ۱۳۶۱.

۳۴. ________________، من لایحضره الفقیه، قم، منشورات جماعه المدرسین، ۱۴۰۴ ه . ق.

۳۵. طبرسی، ابی الفضل، مشکاه الانوار، قم، مؤسسه دارالحدیث، ۱۴۱۸ه . ق.

۳۶. طبرسی، امین دارالاسلام فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۷۴ه . ق.

۳۷. ________________، مکارم الاخلاق، قم، منشورات جماعه المدرسین، ۱۴۱۶هـ . ق.

۳۸. طوسی، التبیان، نجف، منشورات مکتبه الامین، بی تا.

۳۹. ________________، تهذیب الاحکام، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۶ ه . ق.

۴۰. عاملی، حسن بن حر، وسائل الشیعه، تهران، دارالمکتب الاسلامیه.

۴۱. عجلونی، اسماعیل بن محمد، کشف الخفاء، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ هـ . ق.

۴۲. فیض کاشانی، ملا محسن، المحجه البیضاء، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، منشورات جماعه المدرسین،۱۴۰۳ه . ق.

۴۳. قاضی قضاعی، شهاب الاخبار، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.

۴۴. قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ه . ق.

۴۵. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، تهران، انتشارات کتاب خانه سنائی، بی تا.

۴۶. ______________________، منتهی الامال، قم، انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ه_ . ق.

۴۷. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.

۴۸. کیت کنان، چگونه در خویشتن مدیریت کنیم، ترجمه: قاسم کریمی، انتشارات قدیانی، ۱۳۸۰.

۴۹. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ه . ق.

۵۰. مجلسی، محمدتقی، لوامع صاحبقرانی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۴ه . ق.

۵۱. محمد بن عیسی، سنن الترمذی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۵۷ ه_ . ق.

۵۲. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، انتشارات دارالحدیث، ۱۳۷۷.

۵۳. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۴.

۵۴. ______________________، داستان راستان، تهران، انتشارات صدرا، بی تا.

۵۵. ______________________، گفتارهای معنوی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۰.

۵۶. ______________________، مجموعه آثار، ج ۱، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۴.

۵۷. ______________________، مجموعه آثار، ج ۲، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۳.

۵۸. ______________________، مجموعه آثار، ج ۳، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۰.

۵۹. مفید، المقنعه، قم، منشورات جماعه المدرسین، ۱۴۱۳ه . ق.

۶۰. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸ه . ق.

۶۱. هندی، متقی، کنزالعمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ه . ق.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www


برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹